



معرفی اجمالی نقشه راه
الگوی پیشرفت اسلامی
از مدخل

آسیب شناسی انحلال
سوالات انقلاب در سوالات از
قبل پاسخ داده شده در
همایش های الگوی پیشرفت
و پاسخ به این آسیب از طریق
تبیین جهت حرکت انقلاب
اسلامی

مشروح مصاحبه حجه الاسلام علی کشوری
دبیر شورای راهبردی نقشه راه
با سایت تریبون مستضعفین









معرفی اجمالی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی

از مدخل

آسیب شناسی انحلال سوالات انقلاب در سوالات از قبل پاسخ داده شده در همایش های الگوی پیشرفت و پاسخ به این آسیب از طریق تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی

مشروح مصاحبه حجه الاسلام علی کشوری

دبیر شورای راهبردی نقشه راه

با سایت تریبون مستضعفین



1

شناسنامه اثر

مکان مصاحبه: دفتر سایت تریون
مستضعفین

زمان مصاحبه: ۹۱/۱۰/۲

پیاده و ویراست: تریون مستضعفین

فهرست جلسه: ملیحه هاتفی پور

تاریخ شروع: ۹۳/ ۴ /۱۵

تاریخ پایان و نشر: ۹۳/۳/۱۸

طراحی صفحه و پاراگراف بندی:
ملیحه هاتفی پور



دانشجو

به نظر من، دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند، خوب تهذیب اخلاق بکند و خوب ورزش بکند. دانشجویان به عنوان نیروهای متخصص در آینده کشور نقش مهمی خواهند داشت.

در صورتی که این مقاله در مجله علمی و پژوهشی «مطالعات فلسفی» شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۱، به چاپ رسیده است. این مقاله در مجله علمی و پژوهشی «مطالعات فلسفی» شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۱، به چاپ رسیده است.

فهرست اجمالی مطالب :

- ۱/ راه اندازی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در قم با الویت کاری ارائه نقشه راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی ۱۰
- ۲/ لزوم برهم زدن تعادل برنامه توسعه از طریق تغییر در برنامه ریزی حول محور اقتصاد به برنامه ریزی حول محور فرهنگ ۱۳
- ۳/ بررسی آسیب شناسی نبود پاسخ در دپارتمان های علمی دنیا نسبت موضوعات نو و تاسیسی سفارش شده توسط رهبری نظیر اقتصاد مقاومتی و نسبت بین عدالت و پیشرفت ۱۳
- ۴/ تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان راه حل نقشه راه جهت مقابله با آسیب موجود در همایش ها..... ۲۲



۱ / راه اندازی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در قم با الویت کاری ارائه نقشه راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی

ما یک شورای مردمی در قم راه اندازی کردیم به نام «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی». فعلاً اولویت کاری ما مسئله نقشه‌ی راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی است.

۱/۱. معرفی نقشه راه به عنوان اولین مورد از سه دستور کار شورا جهت طرح مسئله الگو در کشور

برای این که مسئله را در کشور مطرح کنیم، سه دستور کار پیش رو داریم یکی، معرفی نقشه راه خودمان است.

۱/۱/۱. ۴ سال مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام و بحث کاربردی و ۱۰ سال مربوط به مطالعات مبنایی اصل انقلاب جهت تدوین نقشه راه

همانطور که مستحضرید حدود ۱۵ سال کار برده است. چهار سالش مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است حدود ده سال هم مطالعاتی مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده است. -شاید آن ده سال بیشتر مبنایی مد نظر بوده است- در چهار سال اخیر بیشتر به کاربرد نزدیک شدیم.

۱/۱/۲. معرفی نقشه راه به عنوان کار اصلی شورای راهبردی

علی ای حال، معرفی نقشه‌ی راه در قالب ساختاری که خدمت‌تان عرض می‌کنم، کار اصلی ما و در واقع کار تبعی ماست.

۱/۲. ارتباط با نهاد های نظام از طریق ۲۷ محور به عنوان دومین کار شورا

کار دیگری هم داریم درباره‌ی محورهای نقشه‌ی راه، که با نهادهای نظام ارتباط دارد. چون به هر حال نقشه‌ی راه الگوی راه پیشرفت اسلامی که دوستان ما تهیه کردند، ۲۷ محور دارد که این ۲۷ محور یا نهادی در نظام متکفلش است (که ما با آن نهاد ارتباط می‌گیریم و مباحث مربوط به نقشه را با آن‌ها در میان می‌گذاریم) یا نهادی متکفل‌شان نیست که باید به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح کنیم. پس ارتباط محورهای نقشه با نهادهای نظام شد کار دوم.

۱۲

۱/۳. تنظیم سیاست های کلان جهت تغییرات در برنامه آتی اداره کشور بر مبنای نقشه راه تحت عنوان برنامه پیشرفت و پیشنهاد آن به دفتر رهبری به عنوان سومین کار شورای راهبردی

کار سومی که در دستور کار داریم، خدای متعال توفیق عنایت کردند و در برنامه‌ی آتی اداره‌ی کشور سیاست‌های کلانی را بنا داریم مبتنی بر نقشه راه تنظیم کرده و به دفتر مقام معظم رهبری پیشنهاد کنیم که مبتنی بر این نقشه راه ما، باید چه تغییراتی در برنامه آتی اداره کشور ایجاد شود. برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه. برنامه‌ای که باید ثروت ایجاد شود. در واقع باید ان شاء الله آن برنامه را برنامه‌ی پیشرفت کشور نام‌گذاری کنیم. این هم کار سوم. پس ما در شورای راهبردی به سه کار مشغولی هستیم. ۱- برگزاری نشست‌های معرفی، ۲- تشکیل کارگروه‌های همکاری با محوریت موضوعات نقشه راه، ۳- نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور. این نشست‌های معرفی، سه مدل است.

۱/۱/۲/۱. نشست های خانگی درمورد نقشه راه به عنوان یکی از راه های معرفی نقشه راه

یکی نشست‌های خانگی داریم، که مخصوص مستضعفین است. یعنی یک نفر میزبان می‌شود و اطعامی هم می‌کند. مانند مهمانی و معمولاً به این صورت است که میزبان با مجموعه رفقای نخبه‌ی خودش رایزنی می‌کند. ما یک نشست خانگی درباره‌ی نقشه‌ی راه برگزار می‌کنیم. به نظرم تجربه‌ی خوبی است و ما هم از این نشست‌ها خیلی راضی هستیم.

۱/۱/۲/۲. مباحثه با سایت ها و خبرگزاری ها جهت معرفی نقشه راه به عنوان دومین نوع برگزاری نشست ها

یک سبک نشست هم در رسانه‌ها داریم، که شاید نشستی که در خدمت شما هستیم دومی یا سومی باشد. با تیمی که سیاست‌های خبری سایت‌ها و خبرگزاری‌ها را تعیین می‌کنند، مباحثه می‌کنیم که محورها در دستور کار تولید خبر قرار گیرد. این نشست در واقع چنین نشستی است.

۱/۱/۲/۳. برگزاری نشست با حوزویان و دانشگاهی ها به عنوان سومین مدل برگزاری نشست

یک نشست‌هایی هم با حوزویان و دانشگاهیان داریم. هر سه این نشست‌ها بحث معرفی نقشه راه مطرح است.

۱/۴. تشکیل کارگروه با نمایندگان مجلس جهت بحث حول اصلاح شیوه قانون گذاری به عنوان یکی دیگر از اقدامات شورای راهبردی

در گزارش بخش تشکیل کارگروه‌ها هم باید بگوییم در حال تشکیل یک کارگروه با ۷-۸ نفر از نمایندگان مجلس هستیم تا بحث اصلاح نحوه قانون گذاری را پیش ببریم. امیدواریم در روزهای آتی اولین کارگروه مشترک مان با مجلس تشکیل شود. بحث‌های دیگری هم درباره پیش‌گیری از جرم و بقیه موارد مطرح است که گزارش آن‌ها را برای وقت دیگری می‌گذاریم. این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود، که بر اساس نقشه راه گام معرفی‌اش می‌کنیم و گاهی با مدیران بر اساس تصمیم‌سازی می‌کنیم.

۲/ لزوم برهم زدن تعادل برنامه توسعه از طریق تغییر در برنامه ریزی حول محور اقتصاد به برنامه ریزی حول محور فرهنگ

ما می‌خواهیم تعادل کل برنامه توسعه را به هم بزنیم. چون برنامه‌های توسعه الان به محوریت اقتصاد نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد با محوریت فرهنگ می‌شود برنامه‌های پیشرفت کشور را عوض کرد. اگر اولین نسخه‌اش بیرون بیاید تجربه‌ای خواهد شد. این گزارش مفصلی از این فعالیت‌ها بود که خدمت‌تان عرض کردم.

۳/ بررسی آسیب شناسی نبود پاسخ در دپارتمان‌های علمی دنیا نسبت موضوعات نو و تاسیسی سفارش شده توسط رهبری نظیر اقتصاد مقاومتی و نسبت بین عدالت و پیشرفت

از یک آسیب‌شناسی شروع می‌کنم که امروز در کارهای فکری انقلاب به آن مبتلا هستیم. آن آسیب به صورت خلاصه این است که از یک طرف در ادبیات انقلاب یک سری سفارشات علمی مطرح شده است. فرض کنید رهبری معظم سفارش کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی تبیین شود. یا سفارش فرموده‌اند نسبت بین عدالت و پیشرفت تبیین شود. دهه چهارم را هم ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نام گذاری کرده‌اند؛ یا چگونگی اصلاح الگوی مصرف. خود بحث چیستی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یا مثلاً تاثیر گذاری برنامه ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده. این دست موضوعات جدیدی که در ادبیات انقلاب مطرح و به نخبگان سفارش شده است اگر شما در دپارتمان‌های علم دنیا دنبالش بگردید جوابی برایش

۱۴ نیست. چرا؟ چون موضوعی نو و تأسیسی است. پس یک طرف قضیه این است که یک سری موضوعات نو و تأسیسی در ادبیات انقلاب به نخبگان سفارش شده است.

۳/۱. تبیین آسیب ورود حوزویان و دانشگاهیان به عنوان دو نهاد تخصصی جامعه اسلامی جهت تبیین موضوعات نو و پاسخ به سوالات از طریق نشست و مقاله و کتاب

می خواهیم آسیبی را تبیین کنیم تا به نقشه راه برسیم. طرف دیگر این است که حوزویان و دانشگاهیان که دو نهاد تخصصی جامعه اسلامی ما هستند ورود پیدا کنند به نشست، کارگاه، مقاله، کتاب و پاسخ این سوالات را پیدا کنند. این از اول انقلاب بوده است.

۳/۱/۱. برگزاری همایش در قم حول پاسخ به مسئله زمان و مکان در فقه مطرح شده توسط امام به عنوان مثالی از بحث

مثلاً فرض کنید امام راحل عظیم الشان وقتی بحث زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند، این بحث، بحث جدیدی بود که ایشان در حوزه فقه مطرح کردند که همایش‌هایش در قم برگزار شد.

۳/۱/۲. بحث‌های مطرح شده در حوزه مباحث دانشگاهی مانند انقلاب فرهنگی و بسط آنها توسط رهبری به عنوان مثالی دیگر از موضوع

یا بحث‌های دیگر که در حوزه‌ی اجرایی کشور یا در حوزه‌ی مباحث دانشگاهی مانند بحث انقلاب فرهنگی مطرح شد و بعد هم آیت‌الله خامنه‌ای موضوعات را بسط دادند، گسترده کردند و تبیین کردند. یعنی شرح و بسط دادند.

۳/۲. انحلال صورت مسئله انقلاب در مسائل قبلاً پاسخ داده شده در اکثر همایش‌ها

این‌ها وقتی مطرح می‌شود یک سری نشست‌ها و همایش‌ها برگزار می‌شود. شما وقتی به خروجی نشست‌ها و همایش‌ها را بررسی می‌کنید که نسبت به این سوالاتی که در ادبیات انقلاب مطرح شده چه پاسخی داده شده؟ با کمال تعجب می‌بینید که صورت مسئله‌ی انقلاب منحل شده در یک صورت مسئله‌ای که قبلاً بوده است. و بعد همان پاسخ‌هایی که قبلاً به آن سوالات داده می‌شده، در این

همایش‌ها به این سوالات داده می‌شود. حداقل یک تعداد زیادی از این مقالات و سخنرانی‌ها این حالت را دارند.

۳/۲/۱. انحلال مسئله توسعه و الگوهای آن در مسئله پیشرفت و الگوهای آن توسط شخصیت‌های معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای در نشست‌هایی با عنوان الگوی پیشرفت اسلامی و قلب سوال جدید به سوالات از قبل پاسخ داده شده

مثلاً فرض کنید نشست‌های برگزار شده در جمهوری اسلامی، تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی. شما می‌بینید یکی از شخصیت‌های شناخته شده که معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای هست، مقاله‌ای دارد و در این نشست شرکت کرده است. مسئله این که پیشرفت چیست و الگوش چیست را منحل کرده در اینکه توسعه چیست و الگوش چیست؟ و بعد همان پاسخ‌هایی که در دیارتمان‌ها به روش ایجاد توسعه در کشورهایی که توسعه نیافته‌اند، در مقاله‌اش داده شده است. سؤال را قلب می‌کنند. سوال برای کسی که در نشست شرکت کرده، سؤال جدیدی نبوده است. همان سؤال قبلی بوده است و نهایتاً الفاظ تغییر کرده است.

۳/۲/۲. انحلال مسئله جدید زمان و مکان در مسئله تراحم که از قبل پاسخ داده شده توسط فقها به عنوان مثالی از انحلال دو مسئله متفاوت

فرض کنید در همان مثال زمان و مکان در اجتهاد، یک آقای فقیهی در جلسه شرکت کرده و سخنران هم بوده. شما وقتی سخنرانی‌ش را بررسی می‌کنید، می‌بینید که زمان و مکان در اجتهاد را به زمان و مکان در اجرای حکم یا همان تراحم که قبلاً فقها جوابش را دادند، مربوط کرده است. بالاخره در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد.

۳/۲/۲/۱. تبیین انحلال موضوع تراحم در مسئله زمان و مکان به وسیله مثال نماز و غرق شدن و اجرای دو حکم همزمان

مثال معروفش این است که شما می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است. اجرای همزمان این دو حکم، نجات جان یک انسان واجب است و «اقم الصلوه» هم که واجب است. شما هم می‌خواهید آخر وقت بخوانید. اینها در این شرایط مکانی و در این شرایط زمانی اجرای‌شان تراحم

۱۶
ایجاد کرده است. اگر مسئله تزاحم است، فقها زیاد درباره‌اش بحث کرده اند. او سؤال را منحل کرده است در مفهوم تزاحم و بعد شرایط مکان و زمان و آن جواب را داده است.

۳/۲/۳. تحمیل سوال قبلی در سوال جدید به گونه‌ی تظاهر به نو نبودن سوال توسط کارشناسان در همایش های سی ساله در بحث های مختلف انقلاب از جمله اقتصاد مقاومتی

اگر کسی بررسی کارشناسی کند در همایش های سی ساله که برگزار شده است، این مثال هایی که عرض کردم را می بیند. اخیراً هم در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، می بینیم که همین اتفاق در حال تکرار شدن است. یعنی نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده است، یا به عنوان سخنران افتتاحیه یا از او مقاله‌ای آورده شده است و یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می کند همان سؤال قبل را یک طوری به سوال جدید تحمیل کند. یعنی سؤال جدید، چیز نویی نیست، همان است و اتفاقاً حاصلش این می شود و می گویند

۳/۲/۴. عدم تفاهم سوالات انقلاب با سوالات رایج در دپارتمان ها و کتاب های علمی دنیا به عنوان آفت همایش ها در پاسخگویی به سوالات نتیجه عدم تبیین دقیق مسائل تاسیسی انقلاب

ما قبلاً این را می گفتیم و رهبران انقلاب تازه این را متوجه شده اند! این تفاوت سؤال انقلاب از همایش ها، نشست ها، مصاحبه ها فهم نشده است و فرقی با سوالات رایجی که در دپارتمان ها و در نزد نخبگان و در کتاب ها هست، فهم نشده است. این آفتی است که همایش ها برای پاسخ گویی به سوالات انقلاب دچارش شده اند. اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم: «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تاسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت کنندگان این گونه همایش ها» این آفتی است که ما به آن مبتلاً هستیم.

۳/۲/۴/۱. تبیین درست سوال در جامعه چاره ی عدم انحلال سوال جدید در سوال قبلی و نادیده گرفته نشدن ایده نو در اداره جامعه

اگر چاره اش نکنیم چه می شود؟ شما گفتید که یک حرف نو در دنیا دارید، وقتی می خواهید نخبگان را وادار کنید که این سوال نو را پردازش کنند و جوابش را تولید کنند، اگر سوال خوب تبیین نشود، سوال منحل می شود در سوال قبلی و این حرف اصلی شما که من ایده ی نویی در اداره جامعه دارم که

۱۷

اداره جامعه بر مبنای دین است، آن ایده‌ی نو نادیده گرفته می‌شود، چون جوابی برایش تولید نمی‌شود. چون هرچه نشست گذاشتیم تا جواب آن سوالات را تولید کنیم، همه‌ی آن نشست‌ها در واقع برای پاسخ به سوالات رایجی بوده که در دنیا مطرح می‌شده است.

۳/۲/۴/۲. در نظر گرفتن بوم ایران مانند بقیه کشورها در توسعه یافتگی نتیجه عدم ملاحظه تبیین تطبیقی مسئله جمهوری اسلامی

اگر ما این را ملاحظه نکنیم، در بیست سی سال آینده به این نتیجه می‌رسیم که باید همین راه‌های موجود دنیا را رفت. نهایتاً بوم ایران را در نظر گرفت مانند بقیه کشورها که شرایط بومی خود را در نظر می‌گیرند. شما ملاحظه بوم را بکنید، ولی راه پیش روی بشریت همین توسعه یافتگی است. این معنایش این است که هفتاد هشتاد سال این راهی که آمدیم، این راه شعار بوده و اشتباه بوده است. یعنی در نهایت علاج نکردن این آفت و عدم دقت در تبیین صحیح مسئله جمهوری اسلامی! این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد.

۳/۲/۴/۲/۱. لزوم تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت جهت مسئله جمهوری اسلامی و بحث نقاط اشتراک و اختلاف جهت عدم برداشت الگوی بومی شده توسعه به عنوان الگوی پیشرفت

مثلاً اگر شما راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید، یک طرفش مفهوم توسعه یافتگی در دنیا راجع به‌ش بحث شده است. باید بگویید پیشرفت با توسعه چه فرقی دارد. حتماً باید در مقام تطبیق مسئله جمهوری اسلامی را متولد کنیم. یعنی راه رایج دنیا و راه کشور تبیین شود و بعد پیشرفت اسلامی که شما مدعیش هستید بحث شود. نقاط اشتراک و اختلاف بحث شود تا مسئله روشن شود. بحث بر سر همین است که عده‌ای می‌خواهند بگویند الگوی پیشرفت اسلامی همان بومی شده‌ی توسعه است.

۳/۲/۴/۲. بردن سوال در مسائلی چون اقتصاد مقاومتی و اصلاح الگوی مصرف جهت تبیین دقیق تفاوت پیشرفت و توسعه

ما همین سوال را ببریم در اقتصاد مقاومتی. همین سوال را ببریم در اصلاح الگوی مصرف. مثلاً ممکن است کارشناسی بگوید اصلاح الگوی مصرف همین رعایت استانداردهاست. وقتی استانداردهای هر

بخش را که به صورت علمی تهیه شده است رعایت کنیم، می شود اصلاح الگوی مصرف. شما خوب روی محل نزاع دست گذاشتید.

۳/۲/۴/۳. لزوم استدلال و اثبات هم عرض بودن مسائل در ادبیات انقلاب با مسائل هم عرض در ادبیات رایج و تبیین اجمالی مطالب به عنوان آفت همایش ها

محل بحث همین است. که آیا مسائل مطرح در ادبیات انقلاب به صورت مبنایی اختلافی با مسائل هم عرض خود در ادبیات رایج دارند؟ یا نه اختلاف در تغییر شرایط بومی و رو بنای مطلب است؟ این مسئله مورد دقت ما بوده است. ببینید فرض بحث ما کلاً پاسخ دادن به این است. اگر شما می خواهید بگویید پیشرفت اسلامی تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه است، تابع شرایط تاریخی ما و یا شرایط جغرافیایی و نیروی انسانی و... و هر شرایطی که مخصوص خود ما هست. اگر ما قرار است این را بگوییم باید محکم بگوییم. یعنی استدلال ها و ادله اش را بیاوریم، اثباتش کنیم. همین جا باید بایستیم و بحث را منقح کنیم. اگر هم قرار است خلافش را بگوییم باز باید محکم بایستیم و با ادله و اثبات مسئله را حل کنیم. این جا اگر به اجمال حرف بزنیم این یک آفت است. عرض ما این است و به نظر ما در همایش ها و نشست ها و کارگاه هایی که برگزار شد، به اجمال برگزار شد و این یک آفت است.

۳/۲/۴/۳/۱. عدم یکسان انگاری توسعه و پیشرفت و ارائه مفاهیم جدید یکی از سه جواب رایج در همایش ها

لذا شما اگر گزارش یکی از این همایش های معروف یا بقیه ی همایش هایی که برگزار شده است، را بررسی کنید می بینید که چون اجمالی است، سه دسته جواب است. یک عده ای رفتند به همان سمتی که ما عرض کردیم و توسعه را واقعاً غیر از پیشرفت می دانند و این دو مفهوم را یکسان نمی پندارند. وارد بحث شدند و یک مفهوم دیگری را گفتند.

۳/۲/۴/۳/۲. دانستن نقاط اشتراک زیاد دو مسئله به عنوان جواب دیگر

یک عده ای هم نقاط اشتراک را زیاد دانستند.

۳/۲/۴/۳/۳. یکسان انگاری توسعه و پیشرفت به عنوان پاسخ سوم

یک عده هم خودش دانستند.

۳/۲/۴/۳/۴. وجود هر سه جریان قائل به مدرنیزاسیون، تلفیق و تاسیس در کشور

ما هر سه جریان را در کشور داریم. یعنی هم جریانی داریم که قائل به مدرنیزاسیون است، هم جریاناتی داریم که قائل به تلفیق است و هم جریاناتی داریم که قائل به تأسیس است. هر سه را در کشور داریم.

۳/۲/۴/۳/۵. شفاف سازی سوال برای مشخص شدن تلفیقی یا بومی سازی و یا تاسیسی بودن الگوی پیشرفت در همایش ها به عنوان راهکار علاج مشکل

ما می‌گوییم این مشکل علاج نخواهد شد. پاسخ درستی به سؤالات انقلاب داده نخواهد شد، مگر اینکه سؤال شفاف باشد. هر همایش باید تکلیف خودش را مشخص کند. مثلاً بگوید من دارم همایش می‌گذارم و منظورم از الگوی پیشرفت اسلامی تلفیقی است. یا این که نه، ماهیت شرایط بومی است. یا نه ماهیت تاسیسی دارد.

۳/۲/۴/۳/۶. ورود به بحث نقشه راه در صورت وفاق بر سر آفت موجود در همایش ها و اعتقاد به تاسیسی بودن مسئله الگو وعدم یکسانی با توسعه در نقشه راه

این که به اجمال این‌ها را برگزار کنیم، این آفت همایش‌هاست. ما وقتی با نخبگان عزیز جلسه داریم از اینجا شروع می‌کنیم. اگر محل وفاق بود که این یک آفت است می‌توانیم وارد بحث نقشه راه شویم، که ما با توضیح دادن یک سری مفاهیم می‌توانیم به سمت یک طرف داستان استدلال برویم. که در اجمال گذاشتن سؤالات آفت است و حالا ما باید مفاهیم را وارد بحث شویم و یک طرفش را محکم کنیم و خیال همه را راحت کنیم که ما هرچه نشست در کشور با نخبگان برگزار کنیم، قائل به تأسیس هستیم. پیشرفت اسلامی را یکسان پنداشتن با توسعه‌ی غربی، چیز خطرناکی می‌دانیم. ولی آن مسئله فارغ از طرح مسئله‌ای که ما کردیم و شاید برای اولین بار هم هست، (حالا هم البته مجموعه‌هایی بودند که اشاراتی کردند) این که این مسئله را مطرح کنند، عام است و همه به آن مبتلا هستند. مثلاً اگر فردا راجع به این قضیه، همایش‌هایی برگزار شد، شما می‌توانید در قالب مصاحبه این سوال را

بگنجانید. یعنی بروید به سمت واکاوی که این برگزارکنندگان چه مد نظرشان بوده است؟ مسئله چیست؟

۳/۳. قائل به تاسیسی بودن انقلاب و تعارض آن با پاسخ های داده شده به فطرت و قلب شدن فطرت در طول زندگی بشر

س: من یک سوال مبنایی بپرسم. وقتی که شما می گوید ما کاملاً قائل به تاسیس هستیم، نقش فطرت در این میان چیست؟ این که بگوییم که پاسخ ها و یا الگوهای که تاکنون به این سوالات داده شده، این پاسخ ها را کاملاً می خواهیم کنار بگذاریم و الگوهای جدیدی را تأسیس کنیم، با قائل بودن به فطرت، چطور با هم قابل جمع است؟ اگر انسان ها برای پاسخ به این سوالات به سراغ فطرتشان نرفتند، همه ی سوالات پاسخ ها را غلط می پنداریم. خوب اینجا نقش فطرت چگونه است؟

ج: پاسخ بسیار روشن است. انسان هم فطرت دارد و هم هوای نفس دارد و در متون دینی جمع بندی این است که ممکن است هوای نفس فطرت را مغلوب کند. در معارف دینی این جزء مسلمات است که فطرت قلب می شود و از بین می رود. این که با مسائل تخصیص تکنولوژی و مفاهیم غربی چطور باید در ایران برخورد شود بحث جدایی دارد.

۳/۳/۱. تغییر فطرت و قلب شدن آن در فضای کفر و هواپرستی و عدم استناد به آن در اثبات گزاره ها ولی اگر کسی بخواهد اعتراف کند که فطرت در دنیای بشر جاری است، مثلاً بگوید چیزی انسانی است، جوابش به لحاظ معارفی روشن است. فطرت این جور نیست که تغییر نکند، شما اگر او را در فضای کفر یا هواپرستی قرار دهید، اینجا دیگر فطرت قلب می شود و دیگر نمی شود با استناد به فطرت درستی یک گزاره را اثبات کرد.

۳/۳/۲. فرهنگ انبیا و مسیحیت تحریف یافته به هر میزان صحیح به عنوان بخش تاسیسی قابل استفاده در الگو

س: به صورت کلی چه طور؟ یعنی اگر ما بگوییم همه‌ی انسان‌ها پاسخ همه‌ی سوالاتی
برایشان در طول تاریخ طرح شده است همه غلط است و هیچ پاسخ صحیحی وجود ندارد، ما
باید از ابتدا تأسیس کنیم؟ چگونه امکان‌پذیر است؟

ج: نه. معنی تأسیس معلوم خواهیم کرد. راجع به این بحث هم جواب ما در اینجا روشن است. به
میزانی که فرهنگ انبیا -ولو فرهنگ مسیحیت تحریف یافته- به همان میزانی که صحیح است و به
همان نسبتی که بر فرهنگ بشریت تاثیر گذاشته، به همان میزان صحیح است. اگر ما تشخیص دادیم
که آنجا ردپایی از فرهنگ انبیا هست، آن‌جا را می‌توانیم امضا کنیم و منحلش می‌کنیم در یک حرف
برتری که این بحث دیگری است. این سوالات مبنایی و مفهومی در بحث ما راه‌گشا نیست.

۳/۴. لزوم تضمین دادن برای قرار دادن برنامه توسعه و عدم ایجاد فاصله طبقاتی نظیر آمریکا
و کشورهای G8 در ایران

اتفاقاً من سوال م بر عکس است. من می‌گویم شما یا جریان مخالفی که می‌گویید تأسیسی نیست، از
کجا معلوم که ما برنامه‌ی توسعه کشور را مبنا قرار دادیم، ده سال ده برنامه را رفتیم و فردا نشویم مثل
فاصله‌ی طبقاتی که در آمریکا شده است؟ آن‌ها باید تضمین دهند. بالاخره توسعه‌ی کشورهای G8 را
به عنوان عینیت خودش الان پیش روی بشریت گذاشته است. این‌ها بالاخره کشورهای توسعه یافته‌ای
هستند.

۳/۴/۱. عدم وجود ضمانت برای از بین رفتن شاخص خانواده، عدالت و شاخص‌های معنوی در
کشورهای توسعه یافته نظیر کشورهای G8

این‌ها در شاخص خانواده‌شان دچار مشکل‌ند. در شاخص عدالت دچار مشکل‌ند. این‌ها در مسائل
معنوی دچار مشکل‌ند. ما عرض‌مان این است که اگر این برنامه‌های توسعه را پیاده کردیم، چه ضمانتی
وجود دارد با این پیشرفت‌هایی که به لحاظ فرهنگ و عقیده‌ی ما، آن‌ها قطعاً دچار مشکل هستند. شما
از کجا ضمانت می‌دهید ما برنامه‌ی توسعه را پیاده کنیم و این شاخص‌ها در کشور ما منفی نشود؟
اتفاقاً آن‌ها باید جواب این سوال را بدهند که توسعه‌یافتگی قدر مطلق‌های شاخص‌های پذیرفته‌ی ما را
قطعاً له خواهد کرد و از بین خواهد برد. آن‌ها باید تضمین بدهند. دست ما دست برتر است.

۳/۵. تغییر مدل نتیجه تغییر شاخص ها بدون نقش تجربه بشریت و نتیجه تغییرات تمدنی

می خواهیم بگوییم وقتی شاخص را عوض می کنیم، مدل هم قطعاً عوض می شود. تجربه‌ی بشریت هم اینجا معنی ندارد. حتی اگر این مدل را در ششصد سال قبل اجرا کنید با این خیلی فرق می کند. ششصد سال دیگر هم اگر بخواهید با این مدل پیشرفت ممکن است با این خیلی متفاوت باشد. چون منظره‌هایی که در دوره‌های تاریخی یا تمدنی موثر است را می‌توانید دست‌کاری کنید. این‌ها به خاطر تغییرات تمدنی است که ما داریم.

۳/۵/۱. عدم امکان مقایسه مدل پیشرفت دوره صفویه با دوره کنونی

مثلاً اگر می‌خواستند در دوره صفویه همچین چیزی را در بیاورند ممکن بود چیز خوبی هم باشد. لزوماً هرچه تا الآن در تاریخ اتفاق افتاده، اتفاق بدی نیست. ولی خوب ما نمی‌توانیم آن مدل را با مدلی که الان می‌خواهیم اجرا کنیم، مقایسه‌اش کنیم.

۳/۲/۴/۴. لزوم حل کردن مسئله اداره جامعه توسط دینداران و یا دین مانند حل سوالات رایج زمان و مکان و تراحم یا الگوی پیشرفت و توسعه در همایش ها

دست‌اندرکاران این همایش‌های سی ساله، باید بگویند به چه سوالی پاسخ دادند؟ آیا همان سوالات رایج بود که من دو تا از مثال‌هایش را عرض کردم. مثلاً زمان و مکان همان تراحم بود؟ الگوی پیشرفت اسلامی همان توسعه بود؟ شما همایش گذاشتید و همان‌ها را جواب دادید. اگر جواب دادید پس بیاید تکلیف شعار اصلی مان که گفتیم اداره جامعه بر مبنای دین است، را هم روشن کنیم. بگویید اداره‌ی جامعه بر مبنای دین، همان اداره‌ی جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین. این را حل کنید. بالاخره یکی باید اصلاح شود. یا اداره جامعه براساس دین که دیدگاه محوری است باید اصلاح شود و بشود اداره جامعه توسط دینداران. آن وقت حرف درست است،

۳/۲/۴/۴/۱. امکان عدم وجود ارتباط عقلانی بین راه حل دین و دین دار در اداره جامعه به عنوان تفاوت دو دیدگاه و لزوم اصلاح ایده‌ی محوری اداره توسط دینداران و حل آن در همایش ها

ممکن است دیندار یکی از راه‌حل‌های مرسوم را بپذیرد. و الزاماً بین راه‌حلی که دین‌دار ارائه می‌دهد و دین، ممکن است ارتباط منطقی نباشد و اصلاً ممکن است، ارتباطی نباشد. من نمازم را می‌خوانم،

دین‌دار محسوب می‌شوم، ولی از راه‌حل‌های موجود عقلای عالم یکی را می‌پذیرم و جلو می‌روم. پس یا باید این ایده‌ی محوری‌تان را اصلاح کنید و یا اگر دیدید که این ایده‌ی محوری درست است با این بیان که جامعه اسلامی باید دینی اداره شود، و البته حتماً برای اینکه بخواهد دینی اداره شود باید دین‌داران در رأس کار باشند. این را ما در درون این تئوری داریم. آن وقت باید جواب بدهد که در این سی سال، همایش، مقاله، کارگاه، دوره‌ی دکترا و .. هرچه که کار کردید، چه پاسخی به این سوال داده شده و این سوال اصلاً چه بوده است؟ این را ما باید حل کنیم. طبق بررسی‌های ما، عمده‌تاً سوال جمهوری اسلامی منحل می‌شود در سوالات رایج که مثال‌هایش را عرض کردیم. خوب ما باید روی آسیب‌شناسی بحث کنیم. خوب اگر کسی سوال کرد و گفت به قول آخوندها سلمنا! تو درست می‌گویی. این تا به حال آفتی بوده، حالا چطور باید علاجش کرد؟

ما در نقشه راه‌مان جواب روشنی به این آفت یا به این مشکلی که هر برگزار کننده‌ای که در جمهوری اسلامی می‌خواهد همایش برگزار کند با آن رو بروست، دادیم. جواب این است، که باید جهت حرکت جمهوری اسلامی قبل از هر حرکتی تبیین شود. یعنی از جمله الزامات همه‌ی همایش‌ها، تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی است. اگر این جهت را تبیین کردیم، بعد می‌توانیم سوالاتی که در کثرات و ساختارهای جامعه هست را تبیین کنیم. ولی اگر جهت تبیین نشد، این آفت ادامه پیدا خواهد کرد و ما به این سمت می‌رویم که سوالات همان سوالات قبلی خواهند بود. پس جواب ما تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

۴/۱. تبیین مبنای حرکت، مراحل و موضوعات انتقال حرکت به عنوان سه کلمه اصلی موجود در مفهوم جهت حرکت

حالا جهت چیست؟ ما جهت را اجمالاً در سه کلمه معنا کردیم. یعنی اگر این سه کلمه مورد بحث قرار گیرد و واضح شود، بعد ما می‌توانیم وارد بحث شویم. جهت از منظر این جدول پیشرفتی که ماتنظیم کردیم یعنی، تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت، که هر سه تا را توضیح می‌دهم. یعنی این کلمه اجمالی که معمولاً همه صحبت می‌کنند و در اخبار هم هست که می‌گویند باید جهت حرکت تعیین شود، ما در نقشه راه در سه کلمه تبیین کردیم و از اجمال بیرون آوردیم. یعنی وقتی ما کلمه جهت را استخدام می‌کنیم، این کلمه اسم است برای سه مفهوم یا سه اصطلاح: مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال حرکت.

۴/۱/۱. تبیین مبنا به عنوان ایده مورد ارزیابی و قابل ترجمه در همه زمانها و مکانها

ما باید به این سمت برویم که مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ وقتی می‌خواهیم جهت حرکت را توضیح دهیم، یک سوم جواب این است که بگوییم مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنا یعنی چه؟ مبنا یعنی آن ایده‌ای که در همه زمانها و مکانها و در همه شرایط، همه‌ی کارها با آن ارزیابی می‌شود. مبنا یعنی آن مفهومی که برای بخش‌ها قابل ترجمه است.

۴/۱/۱/۱. تحقق شاخص‌های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی

حالا مبنای حرکت جمهوری اسلامی چیست؟ مبنای حرکت جمهوری اسلامی، تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. این در هر شرایط زمانی که ما قرار گرفتیم تغییر نمی‌کند. این ایده محوری تغییر نمی‌کند. در هر بخش یا مکان و یا کثرت و ساختاری که قرار گرفتیم، باید نسبت‌مان را با این تمام کنیم. بعد مبنای‌مان را با آن کثرت یا ساختار ترجمه کنیم.

۴/۱/۲. لزوم تبیین جهت برای مقابله با آفت همایش‌ها و تعریف مبنای انقلاب جهت تمایز آن با

مبناهای رقیب

پس یک آفت گفتیم، گفتیم سوال جمهوری اسلامی در همایش‌ها تبیین نمی‌شود، برای مقابله با این گفتیم باید جهت جمهوری اسلامی را تبیین کرد. تعریف مبنای انقلاب اسلامی علت تمایز مبنای انقلاب از دو مبنای رقیب آن خواهد شد.

۴/۱/۱/۲. استفاده از کلمه‌ی تحقق در مبنای انقلاب جهت مرزبندی با استنباط و ابلاغ صرف در مبنای

اسلام سنتی

کلمه‌ی تحقق که اصل هست و با کلمه تحقق با اسلام سنتی مرزبندی می‌کنیم. اسلام سنتی خودش را در استنباط و ابلاغ خلاصه می‌دارد. یعنی فعالیت علمی‌اش می‌رود به سمت استنباط و فعالیت عینی‌اش در حد ابلاغ است. هیچ‌وقت برنامه‌ریزی برای تحقق را مبنای کار خودش قرار نمی‌دهد.

شما می‌بینید که اسلام ناب که مبنای حرکت جمهوری اسلامی است، اولش از تحقق شروع می‌شود و اصلاً بدنبال محقق کردن احکام و اسلام است.

۲۵

۴/۱/۱/۳. لزوم مرزبندی مبنای تحقق شاخص ها با تحقق هویت مدرن و غیر اسلامی به عنوان مبنای جریان روشنفکر

شاخص های هویت اسلامی را مرزبندی می کنیم با جریان روشنفکر، که آنها از اساس به دنبال هویت اسلامی نیستند. به دنبال هویت نو و مدرن هستند. ولی در یک چیزی اشتراک دارند؛ آنها هم به دنبال تحقق هستند.

۴/۱/۱/۳/۱. لزوم تغییر ساختارهای اجتماعی به عنوان مبنای روشنفکر

یعنی این طور نیست که یک روشنفکر که می خواهد در جمهوری اسلامی فعالیت کند مثل هر جای دنیا باشد. بخواهد یک چیزی را تبیین کند و بگوید مردم خودشان عمل کنند! نه، به دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی است.

۴/۱/۱/۴. مرور دوباره بر مبانی سه جریان فعلی موجود در جامعه

پس ما مبنای حرکت جمهوری اسلامی را با دو مبنای معارض و رقیب خودش تبیین کردیم. اسلام سنتی که استنباط-ابلاغ مبنای کارش هست، معارف اسلامی را استنباط و ابلاغ می کند. و برنامه ریزی برای تحقق مبنای کارش نیست. جریان روشنفکری به دنبال هویت مدرن هست، ولی می خواهد محققش کند. شما در جمهوری اسلامی، تحقق شاخص های هویت اسلامی مبنای حرکت تان است. یعنی باید شاخص های هویت اسلامی را استنباط کنیم و بعد برنامه ریزی کنیم برای تحققشان.

۴/۱/۱/۱/۱. وجود نحله های فکری پیرامون مبتنی بودن برنامه های تحقق بر اسلام یا عقلانیت صرف

این جا بحث های زیادی مطرح است. عده ای می گویند که آیا باید برنامه های تحقق هم مبتنی بر اسلام باشد؟ یا باید بر عقلانیت صرف تکیه داشته باشد و شاخص را محقق کنید کفایت می کند و بالاخره نحله هایی به وجود آمده است.

۴/۱/۱/۱/۲. پرسش و پاسخ و بحث پیرامون تدرج در تحقق احکام اسلام

۲۶

س: وقتی ما ملاک را امکان اجرا می‌گذاریم، آیا این امکان وجود ندارد که بعد از مدتی احکام اسلام قلب شود؟ مثالش را هم بزنم. در بحث های فمنیستی گفت و گویی بود که یکی از فمنیست‌های دو آتشه داشت صحبت می‌کرد و گفت ما مجبور شدیم برای اینکه حرف‌مان را به جامعه ایران غالب کنیم سراغ این می‌رویم که مصلحت‌های امروز جامعه حکم می‌کند که مثلاً این حکم این‌گونه باشد. شاید چیزی شبیه به همان بحث زمان و مکان که شاید اگر تبیین درستی ازش نشود، اجازه می‌دهد که احکام به نسبت زمان‌ها و مکان‌ها و جامعه و نیازها عوض شود. یعنی آنجا که امکان تحقق ندارد، قلب شود. برای این شما چه راه کار و طرحی داشتید؟ حرف این است مصلحت‌های اجتماعی چقدر در اصل حکم تأثیر دارند؟ مثلاً شاید نشود در این شرایطی حکم سنگسار را اجرا کرد. شما حکم سنگسار را بر می‌دارید؟ و یا اینکه می‌گویید به خاطر تراحم، از این مسئله دست می‌کشیم. اما حکم همان است، فقط قابل اجرا نیست!ج: بحث تدرج در اجرای احکام که بحث سنگسار یکی از این مصادیق می‌شود، یکی از مسائل مطرح در مباحث فقهی است که به تحقق فکر می‌کند. یعنی اتفاقاً محل بحث جدی است. که اگر مبنای حرکتان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی بود و تحقق احکام بود. حالا اینکه تدرج در احکام اصل هست یا نه، یک بحثی است.

۴/۱/۱/۱/۲/۱ پرسش و پاسخ پیرامون لزوم تعمیم تدرج به تحقق احکام با توجه به شرایط مکانی و زمانی جامعه با بیان تمثیل نزول تدریجی قرآن و یا حکم شراب

مثلاً تنزیل قرآن، یا مثلاً بحث شراب، تنزیلش تدریجی بوده است. یعنی به تدریج حکم حرمت آمده است. ابتدا آمده، «و لا تقربوا الصلوه و انتم سکر» یعنی موقع نماز شراب نخورید. این در مراحل گفته شده که حالا شراب حرام است حتی خوردن یک قطره‌اش. من می‌خواهم به شفاف شدن سوال شما کمک کنم. حالا این جمعیت‌ها این سوال را مطرح می‌کنند، که اگر مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است، آیا مثلاً همان تدرج در تنزیل را می‌توانیم به تحقق هم تعمیم بدهیم؟ بگوییم که یک حکمی است که نمی‌شود محققش کرد. مادامی که نمی‌شود محققش کرد به معنای تعطیلی احکام نیست. معنایش این است که بعضی از احکام، زمینه‌ساز اجرای بعضی از احکام دیگر هستند.

۲۷

۴/۱/۱/۱/۲/۲. لزوم رعایت تدرج و تقدم احکام و امکان نتیجه معکوس در صورت عدم رعایت این اصول در اداره جامعه با بیان تمثیل حکم جهاد و نفی سبیل

مثلاً اگر شما حکم جهاد را اجرا نکنید، حکم نفی سبیل را که جزء احکام مسلم اسلام است را اجرا نکنید، بعداً نماز هم به خطر می‌افتد. یعنی اگر این را خوب پردازش کنید، ممکن است دریچه‌ای در فقه رو به روی شما باز شود که بعداً شما تقدم اجرای احکام را بر حکمی دیگر دارید. حالا این تقدم را نمی‌خواهیم انواعش را بحث کنیم. تدرج در اجرای احکام در عینیت مسلم است. یعنی گاهی اگر بخواهید حکمی را اجرا کنید، گاهی اثر معکوس می‌دهد. اصلاً نمی‌شود اجرایش کرد. مردم مخالفت می‌کنند و ممکن است به برخی از احکام پذیرفته شده ما هم سرایت کند.

۴/۱/۱/۱/۲/۳. پرسش از فقها پیرامون وضعیت تدرج در صورت پذیرفتن تحقق احکام به عنوان مبنا و لزوم تبیین دقیق این مسئله

ولی اینکه «در استنباط این چه وضعیتی پیدا می‌کند؟» سوال خوبی است. که مثلاً آن سوالی که ما در حوزه تحول در فقه و تحول در حوزه داریم، یکی از مواردش همین است. ما از فقهای عظام شیعه سوال می‌کنیم که اگر شما پذیرفتید که اجرای احکام، تحقق از شاخص‌های هویت اسلامی، وظیفه فقها هست، تدرج را چه وضعیتی دارد؟ اجرا کنیم یا نه؟ بپذیریم یا نه؟ اگر هم قرار شد بپذیریم باید یک تبیین دقیق آکادمیک دانشگاهی از مسئله بشود.

۴/۱/۱/۱/۲/۴. لزوم پذیرفتن نسخ برخی احکام در زمان و مکان امروز و عدم قابلیت اجرا در شرایط فعلی و زمینه‌سازی برای تحقق سایر احکام

حالا اگر سوال این است که ما گفتیم، جزء مسائل است و نمی‌توانیم یک شبه اجرایش کنیم. و اینکه اجرایش نمی‌کنیم، معنایش این نیست که می‌خواهیم حکم را قلب کنیم. بگوییم این حکم در شرایط زمانی و مکانی امروز دیگر نسخ شده است. به قول آن آقای که در مقاله‌اش گفت باید یک سری احکام جدید نسخ شود. ما مرادمان این نیست. می‌گوییم باید برای اجرایش زمینه‌سازی کنیم. همین یک کلمه نیست که بگوییم تحقق شاخص‌های هویت اسلامی.

۴/۱/۱/۲/۵. پردازش صحیح منجر به تحول در تفقه و نیاز به احکام متناسب با شرایط کنونی در صورت پذیرفتن تحقق شاخص ها به عنوان مبنا

به نظر ما پردازش صحیح یک کلمه منجر می شود که در تفقه تحول ایجاد شود. یعنی حتما یک سری قواعد فقهی و اصولی جدیدی نیاز است اگر شما بخواهید مسئله تحقق شاخص های هویت اسلامی را مبنای حرکت جامعه اسلامی قرار دهید. بگوییم جامعه اسلامی با همه اهدافش یک هدف مرکزی دارد، می خواهد شاخص های هویت اسلامی را محقق کند. حالا الزامات تحقق در استنباط تاثیر دارد یا ندارد، به قول و نظر صحیح تاثیر دارد و به نظر ما این جور است. ولی ما نمی خواهیم وارد این ان قلت های آقایان شویم. این محل بحث جدی است.

۴/۱/۱/۲/۶. وجود موافقین و مخالفین در حوزه حول بحث تحقق شاخص ها

یعنی به نظرم دعوای جدی در حوزه پیدا می کند و مخالفینی پیدا می کند. گرچه موافقین استخوان داری هم این بحث پیدا خواهد کرد. بنابراین مبنای حرکت جمهوری اسلامی معلوم شد، تحقق شاخص های هویت اسلامی. دو مبنای رقیب هم معلوم شد.

۴/۱/۱/۲. استنباط و ابلاغ به عنوان مبنای جریان اسلام سنتی

یک مبنا می گوید من تا ابلاغ بیشتر نمی آیم. و همین وظیفه را دارم که استنباط کنم و ابلاغ کنم. این مبنا را وقتی بررسی می کنیم می بینیم در ابلاغ متوقف شده است.

۴/۱/۱/۳. تحقق شاخص های هویت مدرن و توسعه یافتگی و متعارض بودن با شاخص های اسلام به عنوان مبنای جریان روشنفکری

مبنای دیگر می گوید شاخص های هویت مدرن اصل هست. آن وقت آن مبنا می گوید اصلاح قرائت دینی. یعنی اگر روشنفکران اگر بخواهند مدرنیته را اصل قرار دهند، قطعاً احکام اسلامی با شاخص های هویت مدرت در تعارض است. اگر برایشان تحقق شاخص های توسعه یافتگی اصل است، حتماً حرف اصلاح قرائت دینی حرف درستی است. پس این مبنای حرکت است، که ما مشاهده می کنیم.

۴/۱/۱/۳/۱. وجود مدیران با مبنای فکری توسعه در طول حیات جمهوری اسلامی

نه فقط در همایش‌ها و کارگاه‌ها، در طول حیات جمهوری اسلامی مدیرانی بودند که نزدیک به این مبانی رفتار می‌کردند. در بعضی دوره‌ها واقعا مبنای‌شان ایجاد توسعه بوده است. حالا بنا به شرایطشان یا بخشی و یا همه جانبه. اصلاً مبنای حرکت در جمهوری اسلامی را در سایه توسعه می‌دانستند. پس با گذشت از نحله‌های مختلف ما مبنای‌مان را تبیین کردیم؛ تحقق شاخص‌های هویت اسلامی.

۴/۱/۲. وجود مراحل جهت تحقق مبنا به علت تدریجی بودن آن و لزوم وجود مقدمات جهت تحقق مبنا

حالا گام دوم؛ این مبنا در چند مرحله محقق می‌شود؟ چون شما می‌خواهید یک حرفی را محقق کنید، باید صحبت از مراحل تحقق هم به میان بیاید. چون تحقق امری تدریجی است. تحقق امری را در بشر کن‌فیکون نمی‌کند. حتماً باید مقدمات و کارهای فکری لازم‌ش را انجام داد. حالا سوال اصلی ما این است که شاخص‌های هویت اسلامی در چند مرحله محقق می‌شود؟

۴/۱/۲/۱. وجود ۵ مرحله جهت تحقق مبنا در تبیین امام خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای که به عنوان یک فقیه پرچم‌دار در این مسئله فکر کردند، ایشان می‌فرمایند مبنای جمهوری اسلامی، یعنی اداره جامعه بر مبنای دین در پنج مرحله محقق می‌شود. و این پنج مرحله را تبیین هم کردند.

۴/۱/۲/۱/۱. انقلاب اسلامی با گرفتن اختیارات از غیر معتقدین به اسلام به عنوان اولین مرحله و گذراندن این مرحله

ایشان می‌فرمایند گام اول، گرفتن اختیارات است. یعنی اگر می‌خواهید شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنید، باید اختیارات را به دست معتقدین به این برنامه بدهید. خوب ما این مرحله را گذراندیم. انقلاب سیاسی اسلامی در سال ۵۷ یعنی سلب اختیار از غیرمعتقدین به مبانی جمهوری اسلامی و دادن به معتقدین که این گذشت.

۴/۱/۲/۱/۲. تعریف هویت اجتماعی و حضور در ساختارها و برنامه ریزی بر اساس اسلام به عنوان دومین مرحله

مرحله دوم تعریف هویت اجتماعی شماسست که به شما قدرت می دهد تا بتوانید در ساختار ها و برنامه ریزی های اجتماعی حضور پیدا کنید. یعنی باید اصول حرکت تان برای تحقق مبنا را تعریف کنید. باز به نظر آیت الله خامنه ای ما این مرحله را گذرانیدیم.

۴/۱/۲/۱/۲/۱. اثبات اصول اساسی و نوع نظام در قانون اساسی در مرحله دوم

ما اصول اساسی مان را، خصوصا در مقدمه قانون اساسی و در تعیین نوع نظام تثبیت کردیم. یعنی گفتیم شاخص های هویت اسلامی بدون حضور مردم محقق نمی شود. چون وقتی می خواهیم محققش کنیم یعنی می خواهیم مردم محققش کنند.

۴/۱/۲/۱/۲/۲. آوردن جمهوری با رای مردم تعیین " برای " اسلام در قانون اساسی به عنوان نوع حکومت

پس جمهوری را در نوع نظام آوردیم و این جمهوری یا حضور و مشارکت مردم یک قید «برای» دارد و آن «برای اسلام» است. پس چه در مقدمه ی قانون اساسی و چه در تعیین نوع نظام، ما اصول نظام مان را تعریف کردیم.

۴/۱/۲/۱/۲/۳. عدم عبور از این مرحله در کشورهای نظیر مصر و سایر انقلاب های بیداری اسلامی

الان مصری ها و بعضی کشورها که انقلاب کردند، هنوز در این مرحله هستند و هنوز از حرکت شان و از اصول حرکت شان تعریف ارائه ندادند.

۴/۱/۲/۱/۲/۴. عبور از این مرحله و تعبیر امام خامنه ای از این مرحله به مرحله نظام اسلامی

ولی ما از این مرحله عبور کردیم که آیت الله خامنه ای از این مرحله با نام **مرحله نظام اسلامی** یاد می کنند. جمهوریت برای اسلام، جمهوری برای اسلام، مشارکت برای اسلام. اینجا در بخشی از اصول قانون اساسی این تبیین می شود که یعنی چه؟

۴/۱/۲/۱/۲/۵. پذیرش اسلام توسط مردم از دوران صفویه و پذیرش حکومت اسلامی در این مرحله

حتی آن قدر مسئله برای مان روشن و تبیین شده است که مثلاً آنجا که گفتیم تظاهرات و تجمع آزاد است، گفتیم به شرط ادب و عفت و اسلام. این مسلم و پذیرفته شده بوده است. یعنی شما از زمان صفوی که آمدید این طرف، در این سیصد-چهارصد سال مردم به پذیرش رسیدند که هویت اسلامی باید برای شان اصل باشد. یعنی اسلام را پذیرفتند. خوب این مرحله را هم ما عبور کردیم. پس مرحله نظام اسلامی یعنی مرحله اصول اصلی حرکت و بعد تحقق آن مینا.

۴/۱/۲/۱/۳ دولت اسلامی به عنوان مرحله سوم از نظر امام خامنه ای

مرحله سوم از نظر آیت الله خامنه‌ای، دستیابی به **دولت اسلامی** است. دولت اسلامی را اگر اجازه دهید با یک مثال توضیح دهم.

۴/۱/۲/۱/۳/۱ تعریف دولت اسلامی به مرحله توانمند سازی ساختارها

ما دولت اسلامی را تعریف کردیم به توانمندسازی ساختارها برای برنامه‌ریزی شاخص‌های هویت اسلامی.

۴/۱/۲/۱/۳/۲ عدم توانایی در محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از عدم توانمندی ساختارها در تحقق شاخص‌های اسلام

به عنوان مثال؛ ما در سال ۸۴ رفت و آمدی داشتیم در بعضی از این ساختارهای نظام از جمله مرکز آمار ایران. در یکی از جلسات یکی از کارشناسان یک سوالی از بنده پرسید که خیلی برایم توقف ایجاد کرد و خیلی مفید است تبیین این سوال. ایشان گفتند وظیفه‌ی دولت اداره است و ما هم سازمان همین دولت هستیم. و گفت من که کارشناس همین دولت هستم نمی‌دانم (نگفت نمی‌خواهم، گفت نمی‌دانم) چگونه ارتقای عدالت را محاسبه کنم؟ گفت اگر به من بگویند ارزش افزوده را محاسبه کن، من به شما می‌گویم حتی این ماه چقدر ارتقا پیدا کرده است؛ ولی شما به من نگفتید عدالت چگونه محاسبه می‌شود؟ ببینید می‌خواهد این کار را بکند، ولی توانش را ندارد.

۴/۱/۲/۱/۳/۳ لزوم تولید تئوری و پیشنهاد سازوکارهای قابل محاسبه و برنامه‌ریزی جهت توانمند سازی ساختارها در مرحله دولت اسلامی

۳۲

پس توانمندسازی ساختارهای دولت اسلامی یعنی همین چیزی که عرض کردم. یعنی شما بتوانید تئوری‌هایی تولید کنید، سازوکارهایی پیشنهاد بدهید، که آن شاخص‌های هویت اسلامی‌تان علاوه بر تعریف شدن قابل محاسبه هم باشد. قابل برنامه‌ریزی هم باشد.

۴/۱/۲/۱/۳/۴. ارائه نقشه راه توانمندسازی ساختارها بر مبنای تحقق شاخص‌ها توسط شورای راهبردی

خوب این مرحله سوم است که ما در این مرحله هستیم، که در واقع نقشه راه ما روش توانمندسازی ساختارها را برای تحقق مبنایان به شما می‌گوید. اگر ما بتوانیم این مرحله را با موفقیت به سرانجام برسانیم، به این معناست که ساختارهای ما قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنایان را برای شاخص‌های هویت اسلامی داریم.

۴/۱/۲/۱/۳/۵. اسلامی شدن جامعه به هر میزان تحقق مبنایان در مرحله دولت اسلامی

این یعنی مبنایان ما دارد محقق می‌شود و به هر میزان که محقق شد جامعه شما اسلامی شده است و از این مرحله که می‌گویید شما دیگر از این دغدغه عبور کردید.

۴/۱/۲/۱/۳/۵/۱. لزوم شکست طلسم یکسان‌انگاری توسعه با پیشرفت در ذهن نخبگان جهت عبور از مرحله دولت اسلامی در دیدگاه امام خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای یک فرمایشی دارند که می‌فرمایند متأسفانه ذهن نخبگان ما پیشرفت اسلامی و توسعه غربی را یکی حساب می‌کند، که باید برای این یک فکری کرد. یعنی شما از دغدغه عبور کردید، ساختارهایتان نه تنها فهمیدند فرق پیشرفت و توسعه چیست، توان برنامه‌ریزی را هم پیدا کردند.

۴/۱/۲/۱/۴. اجرای احکام و تحقق معارف اسلامی در جامعه به عنوان مرحله چهارم تحت عنوان مرحله جامعه اسلامی

حالا شما یک جامعه اسلامی شدید. یعنی احکام اسلامی اجرا شده، معارف اسلامی تحقق پیدا کرده، به نسبتی که شما فهم پیدا کردید و برنامه‌ریزی کردید.

۴/۱/۲/۱/۵. تکثیر و تلالو الگو در دنیا به عنوان مرحله پنجم تحت عنوان مرحله امت اسلامی

لذا الگوی شما تلالو پیدا می‌کند و در دنیا تکثیر می‌شود. اسم آن مرحله را می‌گذاریم، مرحله امت اسلامی و مرحله تمدن اسلامی

خواستیم بگوییم سوالات جمهوری اسلامی چگونه شفاف می‌شود، گفتیم بدون تبیین جهت جمهوری اسلامی امکان ندارد. جهت جمهوری اسلامی را هم در سه کلمه خواستیم توضیح دهیم، مبنای حرکت جمهوری اسلامی، مراحل حرکت جمهوری اسلامی و سومی موضوع انتقال است که اگر حوصله می‌کنید این را هم توضیح دهیم. این مبنا، مراحل و موضوع را که توضیح دهیم، جهت را توضیح دادیم و بعد باید بتوانیم با این جهت هر سوالی را تبیین کنیم.

۴/۱/۲/۱/۳/۶. عدم توانایی برای برنامه ریزی جهت تحقق شاخص ها در مرحله کنونی

الان ما در مرحله دولت اسلامی هستیم. یعنی ساختارهایمان مع الاسف توان کافی برای برنامه‌ریزی برای شاخص‌های هویت اسلامی ندارند.

۴/۱/۲/۱/۳/۷. آغاز امامت امام خامنه‌ای مقارن با آغاز مرحله دولت اسلامی و اتمام مدیریت امام همزمان با تثبیت نظام اسلامی

از آغاز امامت اجتماعی امام خامنه‌ای آغاز مرحله دولت اسلامی است. یعنی اتمام مدیریت امام، نظام اسلامی تثبیت شد. همین که می‌بینیم سازمان ملل ما را محق دانست و صدام را مقصر دانست یعنی شما تثبیت شدید.

۴/۱/۲/۱/۱/۱. دویست سال مبارزه فقها از جمله میرزای شیرازی و مشروطه و مبارزات شهید مدرس زمینه ساز مرحله انقلاب اسلامی در سال ۵۷

مرحله انقلاب اسلامی، یک انقلاب اسلامی در سال ۵۷ است که معلوم است؛ از ۴۲ تا ۵۷ ولی یک مقدمات دارد به نظر ما از میرزای شیرازی شروع می‌شود که با روس‌ها درگیر می‌شود و شاید دویست سال مبارزه فقها بود، که نقطه درخشان‌ش اینجاست. ولی آن بحث میرزای شیرازی که من گفتم برای

این که قبلش بود. وگرنه شما کار مشروطه را همین جا باید ببینید، کار آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله مدرس. این‌ها نقاط بارزش است.

۴/۱/۲/۱/۱/۲. کتاب چلچراغ‌های طاغوت شکن به عنوان تکمیل کننده نقشه راه حاوی طرح شناسنامه های تاریخی مبارزات دویست ساله فقها با استعمار و مدرنیته

یک کتابی اخوی من نوشتند که هفت جلد است و یک جلدش بیرون آمده به نام «چلچراغ‌های طاغوت‌شکن» که تکمیل کننده همین نقشه راه است. طرحی است، طرح شناسنامه‌های تاریخی دویست سال فقهای پرچمدار که با مدرنیته و استعمار درافتادند. این طرح‌ها را ما منطقه‌ای برمی‌داریم. مثلاً در بروجرد ما علمای مبارز را شناسایی کردیم. البته قبل از انقلاب. مثلاً میرزا محمود که با ناصرالدین‌شاه مبارزه می‌کرد؛ دویست سال مبارزه و هویت بود که ما به اینجا رسیدیم. حالا بحثی است که اگر ایشان کتابش چاپ شود. البته کتاب ایشان مربوط به فقهای کل جهان اسلام است. یعنی ۲۰۰ سال بعد مثل میرزا رضا و سید جمال و ... را نیاوردیم ما.

۴/۱/۲/۱/۱/۳. جمع بندی مبارزات دویست ساله فقها توسط امام در مرحله انقلاب اسلامی

فقهای صاحب فتوا که این‌ها می‌گویند امام نادر بود، اینجور نبوده است. واقعاً ۲۰۰ سال مبارزه بوده امام جمع‌بندی کامل ارائه دادند از مبارزه. پس این مرحله دولت اسلامی هم گذشت.

۴/۱/۳. موضوعات انتقال به عنوان اولویت های قابل شناسایی و لزوم رعایت الویت ها جهت انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر

حالا یک بحث داریم به اسم موضوعات انتقال. موضوعات انتقال به بیان ساده یعنی اینکه اولویت‌های هر مرحله را شما شناسایی کنید، که اگر اولویت‌ها را رعایت نکنید از یک مرحله به مرحله بعد انتقال پیدا نمی‌کند. لذا ما اسمش را گذاشتیم موضوعات انتقال یا موضوع انتقال. لذا موضوع انتقال همیشه و در هر مرحله به مرحله بعد یکی است.

۴/۱/۳/۱. لزوم رعایت موضوع انتقال به عنوان مهم ترین رکن از سه رکن جهت برای جلوگیری از عقبگرد و توقف در انتقال بین مراحل

۳۵

یعنی شما یک اولویت اصلی دارید که اگر آن را رعایت کردید انتقال پیدا می‌کنید به مرحله بعد، اگر رعایتش نکنید انتقالتان دچار توقف و عقبگرد به مرحله بعد می‌شوید. بنابراین موضوع انتقال گرچه رکن سوم جهت است، ولی مهمترین بخش جهت است برای این که ما بتوانیم فرآیند انتقالمان را مدیریت کنیم.

۴/۱/۳/۲. امکان مانع تحقق شدن به جای تحقق اسلام به دلیل عدم فهم دقیق موضوعات انتقال هر مرحله

من مثالی می‌زنم که واضح می‌شود، یعنی اگر کسی موضوع انتقال را نفهمد، توجه نکند، نمی‌تواند در فرآیند انتقال نقش ایفا کند، ولو اینکه مبنا و مراحل را متوجه بشود. اولویت‌های این مرحله را متوجه نشود، گاهی وقت‌ها به اسم تحقق اسلام مانع تحقق اسلام می‌شود،

۴/۱/۳/۲/۱. لزوم رعایت تدرج و ظرفیت تحقق مبنا در هر مرحله جهت جلوگیری از بسیج جامعه برای تحقق شاخص‌هایی بیش از ظرفیت جامعه

چون وقتی شما سخن از اولویت می‌کنید، معنایش این است شما مرحله چهارم ایران اسلامی است یعنی تدرجی که بحث می‌کردیم دیگر. شما می‌گویید آقا شخصیت هویت اسلامی صدسال تحقیقش طول می‌کشد، آنوقت یک حکمی اگر شما همین موضوع انتقال را نفهمید، ما متوجه نکنیم، که بعضی آدم متوجه می‌شود که در تحلیل کلان متوجه این مسئله نیستند، در واقع ظرفیت اجتماعی را بسیج می‌کند برای امری که الان تحقیقش مشکل است. این مسئله مهمی است موضوع انتقال.

۴/۱/۳/۲/۲. تبیین مسئله ولایت فقیه و اسلام خودش حکومت دارد توسط امام به عنوان موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به نظام اسلامی با استناد به صحیفه امام

با بیان تمثیلی توضیح می‌دهم مسئله انتقال را. مرحله اول حرکتمان انقلاب سیاسی سال ۵۷ بود، مرحله بعدش هم مرحله نظام اسلامی بوده، خب موضوع انتقال از این مرحله به مرحله بعد چیست؟ یعنی بالاخره ما الان نظام اسلامی را مستقر داریم، نظام جمهوری اسلامی مستقر است، بلکه عمق استراتژیک هم پیدا کرده. با این جریان بیداری اسلامی و اجلاس عدم تعهد، تا خود مستضعفین عالم عمق استراتژیک دارید، ولی هیچکس در جمهوری اسلامی قائل به این نیست که ما توانستیم

شاخصه‌های هویت اسلامی را به‌تمامه محقق کرده‌ایم. کسی چنین ادعایی ندارد. ما سوال مان این است که این استقرار نظام، که استقرار نظام به معنای تحقق تام مبنا نیست، چه اولویت‌هایی رعایت شده تا این مستقر شده است؟ می‌خواهم بگویم همان موقع یک عده از آقایان بودند که می‌گفتند فلان حکم اجرا بشود، ولی امام نرفتند به سمت اجرای فلان حکم خاص، یک اولویت‌های خاصی را مبنا قرار دادند تا نظام مستقر شود، چون امام درکشان این بوده که اجرای آن حکم و بقیه احکام بدون استقرار نظام امکان ندارد. حالا ما می‌گوییم که این اولویت‌ها چه بوده؟ که می‌خواهیم بازخوانی بکنیم. من دیدم اوضاع امروز ما یک عده‌ای می‌آیند استناد می‌دهند به صحیفه امام، ما با توضیح این بحث اثبات می‌کنیم شرایط امروز، اگر می‌خواهید تبیین مبنا کنید می‌توانید استناد بدهید به صحیفه امام، چون مبنا در تمام مراحل حاکم است، اگر حتی می‌خواهید مراحل را توضیح بدهید، باز امام حتماً مرحله‌بندی داشته‌اند، یک مرحله‌بندی سه تایی در حرف‌های امام به نقل، من در فیش‌ش هم در صحیفه نور پیدا نکردم، اما اگر، حالا با این بحث موضوع انتقال راجع به موضوع انتقال فعلی بخواهیم استناد بکنیم، اصلاً امام درگیرش نبوده که بخواهد پردازش‌ش کند و بحث کند. و اینجا فقط اختصاص دارد به فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، ببینید حتی در طبقه‌بندی ادبیات انقلاب هم به ما کمک می‌کند موضوع انتقال. حالا من خیلی خلاصه در چند دقیقه توضیح بدهم که مسئله حل بشود. سال ۱۳۵۷ انقلاب که واقع شد چند ماه بعدش خروجی انقلاب نشد جمهوری دموکراتیک اسلامی یا جمهوری ایران یا هر خواسته دیگری که دیگران می‌گفتند. علتش یک مسئله بود. اولییتی که امام همیشه رعایت می‌کرد، تبیین حکم اسلام حکومت دارد، امام از ۴۲ تا ۵۷ با اولویت این را تبیین کرده، اولویت اصلیش این بوده است. لذا شما وقتی می‌بینید که نخست‌وزیر وقت به امام پیشنهاد می‌دهد که امام در انتخابات شرکت کنند، امام راحل در پاریس می‌فرماید اسلام خودش حکومت دارد. یا در سال ۴۸ درس خارج ولایت فقیه راه می‌اندازند در عراق. موضوع انتقال یعنی همان اولویت اصلی که باعث انتقال ما می‌شد از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله تاسیس جمهوری اسلامی، تبیین تئوری اسلام خودش حکومت دارد یا تئوری ولایت فقیه بود. اگر امام به غیر از این مسئله را می‌ایستادند، یعنی مسئله اصلی‌شان می‌شد یک مسئله دیگر، این انتقال واقع نمی‌شد.

۴/۱/۳/۲/۲/۱ تبیین مسئله ولایت فقیه توسط نخبگان در مجلس و مجلس خبرگان قانون اساسی

توسط سید منیرالدین و شهید بهشتی

در مرحله‌ای که مردم می‌خواستند بیایند رای بدهند و قانون اساسی بنویسید، حتماً شما مشروح مذاکرات قانون اساسی را دیده‌اید، از جمله بحث‌های جدی که حتی بعضی از آقایان روحانی داخل مجلس فهمش نکرده بودند، همین مسئله‌ی ولایت فقیه بود. لذا به نفعش هم وارد میدان نمی‌شوند. من خاطره‌ای اینجا نقل می‌کنم که خوب است برای تبیین موضوع. مرحوم آیت الله سید منیرالدین حسینی‌الهاشمی از شیراز کاندیدا بود در خبرگان قانون اساسی. ایشان می‌گویند که بحث در گرفت در مجلس خبرگان روی موضوع اصل ولایت فقیه. ایشان می‌گویند که من ارزیابی‌ام این بود که اصلاً بحث جا نیافتاده است. لذا خیلی فضا به نفع روشنفکرها بود. آیت الله بهشتی تجدید وضو کرده بودند و داشتند بر می‌گشتند. بعد من رفتم خدمت ایشان به ایشان گفتم که ما برای چه این انقلاب و این حرکت را انجام داده‌ایم؟ بعد ایشان می‌گویند برای اسلام بوده. با ایشان صحبت کردیم که ایشان در دستور کار ۴۰ روز بررسی اصل مربوط به ولایت فقیه عقب انداختند. بعد ایشان می‌گویند که من در این ۴۰ روز، از نماز صبح تا شب از آقایان یکی یکی وقت می‌گرفتم و مسئله را تبیین می‌کردم، که اگر مسئله ولایت فقیه را برنگردانیم به ولایت امر و به ولایت معصومین، برگردانیم به رای مردم چه اتفاقی می‌افتد. یعنی یک چنین فعالیت‌هایی در مجلس خبرگان شهید بهشتی و مرحوم آقای سید منیر و دیگران انجام دادند، که توانستند این را به پذیرش برسانند. حتی از امام که شروع کردند تا آن موقع برای بعضی‌ها جا نیافتاده بود. اینکه برای مردم، نخبگان و دانشگاهیان جا می‌افتد، مثل شهید آیت یا مرحوم آقای بهشتی، این اولویت بوده است. موضوع انتقال بوده است؛

۴/۱/۳/۲/۲/۲. تبیین اسلام حکومت دارد و رعایت این موضوع باعث ورود به مرحله نظام اسلامی به جای جمهوری دموکراتیک مانند ماجرای مشروطه

تبیین اسلام خودش حکومت دارد. اگر ما این را رعایت نمی‌کردیم اصلاً وارد مرحله نظام اسلامی نمی‌شدیم، انقلاب می‌شد و وارد مرحله جمهوری دموکراتیک می‌شدیم. یک مسیر دیگر تبدیل می‌شد، مثل مشروطه. هر چند در مشروطه باز نظارت فقها را اسماً حفظ کردند، در قانون بود ولی اجرا نمی‌کردند. مرحوم مدرس برای همین قانون مشروطه بود که از نجف به ایران آمدند. موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام تبیین تئوری ولایت فقیه رسید.

۴/۱/۳/۲/۳. جنگ در راس امور است و تبیین دفاع مقدس توسط امام به عنوان موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی

یک مرحله نظام اسلامی داریم به مرحله دولت اسلامی، این جا موضوع انتقال چیست؟ بالاخره ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، نظام اسلامی مستقر شده، امام روی چه ایستاد تا این انقلاب منتقل شد؟ وقتی رفتند گفتند با دلی آرام امور را به دست آیت‌الله خامنه‌ای می‌سپارم و می‌روم. این اتفاقی که افتاد و تثبیت شد. امام باز یک موضوعی را رعایت کردند که اگر در ادبیات‌شان بگردید یک عبارت «جنگ در راس امور است» و مجموعه تبیین‌هایی که درباره پدیده دفاع مقدس دارند که امام می‌گویند این جنگ بود که اسلام را صادر کرد، جنگ بود که به ما توانمندی داد.

۴/۱/۳/۲/۳/۱. خودباوری و دستیابی به ظرفیت اداره جامعه به کمک مسئله جنگ و ورود به دولت اسلامی

ما روی این تشریحی که امام کردند حساس هستیم، یعنی مسئله جنگ باعث شد که ما خودباوری و ظرفیت اداره کردن خودمان را بدست بیاوریم که اگر جنگ اتفاق نمی‌افتاد این روحیه به وجود نمی‌آمد. شما اصلاً نمی‌توانستید وارد مرحله دولت اسلامی بشوید.

۴/۱/۳/۲/۳/۲. توان برنامه ریزی و ایجاد استقلال کشور و تربیت نیروهای مدیر و متخصص از نتایج شرایط سخت جنگ

اصلاً اگر مساله جنگ نبود، ولو اینکه اگر شما در قانون اساسی می‌بردید، توان برنامه‌ریزی اولیه برای دولت اسلامی را نداشتید. لذا جنگ استقلال برای کشور درست کرد. آن شرایط سخت جنگ، تحریم‌هایی که به وجود آورد، جمعیت‌هایی که بعداً مدیر شدند؛ شدند رئیس جمهور، پست‌های مملکتی را گرفتند، همه حاصل همین جنگ بود.

۴/۱/۳/۲/۳/۳. در راس بودن جنگ به فرموده امام و توجه به این موضوع انتقال حتی در شرایط خاص جنگ

لذا در مسئله جنگ در راس امور است، موضوع انتقال است. امام هم در فرمایشات‌شان بود، حتی وقتی آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواستند میرحسین موسوی را عوض کنند، امام گفتند جنگ لطمه می‌خورد. اجازه ندادند این اتفاق بیفتد. یعنی می‌خواهم بگویم موضوع انتقال حرکت، هیچ وقت نباید فراموش بشود.

۴/۱/۳/۲/۴. توانمند سازی ساختارها و قدرت برنامه ریزی بر اساس مبنا به عنوان موضوع انتقال مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی

حالا دیگر در دولت اسلامی هستیم و می‌دانیم آینده‌مان هم جامعه اسلامی است. موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی چیست؟ این هم یک تک موضوع است، اگر در اولویت کار قرار بگیرد و به همه موضوعات ترجمه بشود. اگر شما ترجمه نکنید یعنی موضوع اصلی را رعایت نکنید، انتقال تان واقع نمی‌شود. امام راحل مدیریت‌شان در واقع جا انداختن دو تا اولویت بود و بعد تحویل آیت‌الله خامنه‌ای دادند. آیت‌الله خامنه‌ای هم الان درگیر یک موضوع انتقال هستند، که آن موضوع انتقال بنا بر تعریفی که ما ارائه دادیم موضوعی است که علت توانمندسازی ساختارهای شما می‌شود. یعنی قدرت برنامه‌ریزی بر این مبنا را ایجاد می‌کند. یعنی شما گفتید دولت اسلامی دولتی است که باید توانمند باشد برای تحقق مبنا. آینده‌تان هم جامعه اسلامی.

۴/۱/۳/۲/۴/۱. تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان رویکرد توانمند سازی ساختارها لازمه ی انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی

پس موضوع انتقال علت توانمندسازی ساختاری که موضوع انتقال از این مرحله به آن مرحله تولید الگوی پیشرفت اسلامی. یعنی جنگ اهمیت دارد، تئوری ولایت فقیه هم اهمیت دارد و اگر ما این مسئله را تولید نکنیم، ساختارهای مان توانمند نمی‌شوند. به مرحله جامعه اسلامی انتقال هم پیدا نمی‌کنید.

۴/۱/۳/۲/۴/۲. متاثر بودن ساختارهای فعلی جامعه از شاخص های wdi و لزوم تولید و اجرای الگوی پیشرفت جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی و توانمندسازی ساختارها بر اساس مبنا

الان ساختارهای ما متاثر از شاخص های توسعه جهانی WDI هستند. توانمند هستند برای تحقق شاخص های WDI. ما این الگو را تولید نکنیم ساختارهایمان توانمند نمی‌شوند برای اجرای شاخص های هویت اسلامی. یعنی همان بحثی که کارشناس مرکز آمار می‌گفت. در مرحله دولت اسلامی، موضوع انتقالمان تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. الگو را تولید کنیم ساختارهایمان می‌توانند برنامه‌ریزی کنند. بدون الگو ساختارها نمی‌توانند. نه اینکه نمی‌خواهند.

۴/۱/۳/۲/۴/۳. عدم توانایی در محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از عدم توانمندی ساختارها جهت برنامه ریزی بر اساس مبنا

بدنه کارشناسی نمی‌فهمد چگونه عدالت را محاسبه کند، نهایت می‌گوید عدالت همان ضریب جینی است. ضریب جینی یعنی همان روش محاسبه توزیع درآمد نه روش محاسبه عدالت که این متفاوت است. ما می‌گوییم این بحثی که شما توضیح دادید، روش برنامه‌ریزی برای تحقق خانواده نشد، برای ارزش افزوده شد. یعنی کاملاً می‌توانیم بفهمیم توان‌مندسازی ساختارهای مان برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی می‌شود یا نه.

۴/۱/۳/۲/۴/۳. عدم انتقال از دولت اسلامی در صورت عدم توانمندسازی ساختارها

دولت اسلامی یعنی توان‌مندسازی. با توان‌مندسازی الگوی پیشرفت اسلامی محقق می‌شود. اگر محقق کردید و تولید کردید، دولت شما توان‌مند می‌شود و انتقال واقع می‌شود. اگر تولید نکردید انتقال دچار مشکل است. همه امور باید ارتباطشان با این مساله دیده بشود.

۴/۱/۳/۲/۴/۳/۱. بانک سوالات به عنوان ایده ای برای پایان نامه ها جهت به چالش کشیدن نخبگان

ما یک ایده داریم به اسم بانک سوالات که عمده طراحی اش برای پایان‌نامه‌ها است، ولی به درد رسانه‌ها هم می‌خورد، که نخبگان را با این سئوال‌ها به چالش بکشد.

۴/۱/۳/۲/۴/۴. خانواده به عنوان زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گام دوم توانمندسازی ساختارها

مسئله اصلی مان توان‌مندسازی ساختارها است. همه امور را باید با این بسنجیم، خانواده نسبت‌ش با توان‌مندسازی ساختارها چیست؟ ما مکرر گفتیم خانواده زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. بعداً این را شرح می‌دهیم. این نقش هم در واقع گام دوم توان‌مندسازی ساختارها است.

۴/۱/۳/۲/۴/۵. سفرهای استانی و رفتن به سوی عدالت از جمله تلاش‌ها برای توانمندسازی ساختارها بر اساس شاخص‌ها

ما بنظرمان در ۲۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب با مدیریت‌شان در یک مرحله ساختارها را توانمند کردند، که نتیجه‌اش همین سفرهای استانی و رفتن سمت عدالت است؛ همین شاخص‌هایی که در دو دولت قبلی نبود. یعنی سعی کردند بروند به سمت عدالت، یعنی ساختارها یک تغییرات در آن ایجاد شده،

۴/۱/۳/۲/۴/۶. انحلال سازمان برنامه و بودجه به عنوان اقدام دیگر جهت توانمند سازی اجمالی ساختارها و گام دوم در جدول پیشنهادی شورای راهبردی

ولو اینکه شما بگویید سازمان مدیریت و برنامه منحل شد. سازمانی که متکفل برنامه‌ریزی برای توسعه بود منحل شد. ما این را چیز بدی نمی‌دانیم، یعنی فی‌الجمله ساختارها یک توان‌مندی اجمالی در شاخص‌های مدیریت اسلامی پیدا کرد. این جدول ما پیشنهاد گام دوم است.

۴/۱/۳/۲/۴/۷. تعریف جدول در گام سوم مرحله دولت اسلامی در سه مرحله

جدولی هم برای گام سوم هست. لذا اگر شما جدول ما را ذیل دولت اسلامی ملاحظه کنید، ما دولت اسلامی را در سه مرحله تعریف کردیم:

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۱. قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ به عنوان مرحله اول دولت اسلامی تحت عنوان مرحله پیدایش

یک مرحله از دولت اسلامی مرحله پیدایش است که در واقع با **قانون اساسی مصوب ۵۸** و تغییرات سال ۶۸ انجام شد

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۲. قانون اساسی الگوی پیشرفت به عنوان مرحله دوم

۲- یک مرحله‌ی دیگر ما پیشنهاد تغییراتش را در جدول تبیین کردیم، یعنی چه تغییراتی در ساختارهای فعلی ایجاد بشود تا شما بتوانید شاخص‌های مدیریت اسلامی را توضیح بدهید. اسمش را گذاشته‌ایم: **قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی**

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۳. قانون اساسی انقلاب فرهنگی به عنوان سومین مرحله

۳- یک مرحله هم داریم قانون اساسی بعد از این نقشه راه که ما از آن تعبیر کردیم به **قانون اساسی انقلاب فرهنگی**. پس سه تا قانون اساسی شد،

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۱. تصویب قانون اساسی مصوب ۵۸ جهت تعریف روابط ساختاری و تحقق اسلام بر اساس ظرفیت آن روز جامعه

در واقع قانون اساسی تبیین روابط ساختارها است. یک قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ داریم که این توانش همین قدر است. یعنی روابط ساختاری که تعریف کردیم همین قدر اسلام را محقق می‌کند.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۲. ایجاد تغییرات ساختاری و تصویب قانون اساسی الگو جهت توانمند سازی ساختارها ما پیشنهاد دادیم یک تغییرات ساختاری ایجاد شود که این‌ها توان‌مندتر بشوند. اسمش را گذاشته‌ایم **قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی**.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۳. لزوم پیوست فرهنگ به قانون اساسی جهت تغییر روابط ساختاری تحت عنوان قانون اساسی انقلاب فرهنگی به مثابه تغییر ساختارها پس از زمان شاه در قانون اساسی جدید

این مرحله هم که به فضل الهی عبور کنیم، یک قانون اساسی داریم، یعنی دولت اسلامی تک قانون، که قانون اساسی اسم انقلاب فرهنگی توضیحش بوده است. باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم، یعنی حتما باید روابط ساختاری تغییر کند. چطور شما از زمان شاه آمدید به زمان انقلاب، روابط ساختاری را تغییر دادید که توانستید اسلام را محقق کنید. در سال ۶۸ به این نتیجه می‌رسید که این قانون اساسی برای اجرای اسلام مشکلاتی دارد. تغییرش دادیم.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۴. قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی برای توانمند سازی ساختارها جهت تحقق مبنای جمهوری اسلامی و ارائه قانون اساسی انقلاب فرهنگی در مرحله تکامل دولت اسلامی

پس یک مرحله دولت اسلامی توان‌مندسازی ساختارها در سطح قانون اساسی فعلی است. حالا ساختارها باید یک تغییراتی بکنند که توان‌مندتر بشوند. برای چی؟ برای **تحقق مبنای جمهوری اسلامی**. ما اسم این مرحله از توان‌مندسازی را گذاشتیم **قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی**.

یک مرحله تکاملی هم پیشنهاد دادیم، قانون اساسی انقلاب فرهنگی. نقشه راه به شما می گوید برای شما تغییرات ساختاری که لازم دارید تا برای تحقق مبنای تان توان مندتر بشوید.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵. اعمال تغییرات کلی در قانون اساسی با توجه به ظرفیت موجود جامعه

من تأکید دارم، برای اولین بار به فضل الهی تغییرات ساختاری بخش‌های مختلف نظام تبیین شده است. نه به صورت جزئی؛ یعنی سعی شده همه‌ی تغییرات لازم در همه ساختارها دیده شود. چون قانون اساسی فعلی همین قدر ظرفیت دارد.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۱. مرکز الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت در دفتر امام خامنه‌ای جایگزین سازمان مدیریت برنامه کشور و اعمال این تغییر در قانون اساسی

مثلاً مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که الان در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای تاسیس شده، -با تغییراتی که بعداً می‌کند- جای سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور را می‌گیرد. بعد این را شما باید بیاورید در قانون اساسی.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۲. لزوم تشکیل مرکز با توانایی تولید تحلیل و انتشار شاخص اسلامی و محاسبه آن و جایگزینی این مرکز با ساختارهای قبلی

یعنی شما باید یک مرکز درست کنید، این مرکز باید خودش توان داشته باشد، بتواند تحلیل کند، تحقیق کند، شاخص‌های هویت اسلامی را منتشر کند، محاسبه کند، بعداً این را جایگزین آن سازمان مدیریت می‌کنید. یعنی به لحاظ ساختاری باید به نظر ما بیاید زیر نظر دفتر رهبری. برنامه‌ریزی برای اداره کشور نباید بیاید در بخش اجرا، باید بیاید به دست کسی که متکفل جهت است.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۳. ابلاغ سیاست‌های کلی در مجمع و نهادهای قانونی و نداشتن نقش برنامه‌ریزی در قانون اساسی

مثلاً، احتمال دیگری است، ولی بالاخره مجمع با این مرکز تحقیقاتی که دارد توسعه مالزی را تئوریزه می‌کند. اصل قضیه باید تبیین می‌شد. آن وقت مشکلش این است که مجمع نقش مشورتی دارد، نقش برنامه‌ریزی ندارد در قانون اساسی. یعنی ما می‌گوییم تغییرات کند. بالاخره ما به نظرمان می‌آید

اختیارات برنامه‌ریزی کشور، حداقل در سطح جهت‌گیری یک نهاد قانونی درست بشود. الان سیاست کلی ابلاغ می‌شود، ولی تبیین برنامه نمی‌شود. من یک وقت در یک جلسه گفتم حداقل در سطح قوانین عادی باید تغییر ایجاد شود.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶. تبیین الگوی پیشرفت لازمه‌ی توانمندی ساختارها جهت حقق مبنا

الان وقت بحث این حرف‌ها نیست. یعنی اول باید بیاییم ببینیم چه جور باید الگو را تولید کنیم. یعنی اگر شما الگو را درست کنید، مساله‌ی ساختاری‌تان هم تبیین می‌شود. شما در مرحله دوم دولت اسلامی هستید، در مرحله دوم دولت اسلامی، ما آمدیم یک تبیینی ارائه دادیم از چگونگی توان‌مندسازی ساختارهای شما برای تحقق مبنای‌تان. یک تبیین هم برای آینده داریم. ما می‌توانیم از این که هست ساختارهای مان را توانمندتر کنیم.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۱. لزوم ارتقا سطح اسلامیت به کمک تبیین ۲۷ محور در نقشه راه

یک گزارشی دادم به حاج آقای تهرانی. حاج آقای تهرانی گفتند این کف اسلامیت است. به بیان ساده‌تر، ما باید یک مقدار سطح اسلامیت را ارتقا بدهیم. از مرحله فعلی بیاییم بالاتر. ما این را در ۲۷ گونه تبیین کردیم. که این گزارش اجمالی از این نقشه راه.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۲. تحول در نظام آموزش و پرورش جهت تربیت همسر برای حفظ هویت خانواده جزء اولین ضرورت توانمندی ساختارها

اولین ضرورت ساختارها این است که هویت خانواده را در برنامه‌ریزی حفظ می‌کند. شما اگر بخواهید خانواده تشکیل بدهید، زن و مرد که خانواده را تشکیل می‌دهند در نظام آموزش و پرورش رشد و نمو پیدا کردند و پیدا می‌کنند. تحول بنیادین باید بدهید، آموزش پرورش بتواند همسر تربیت بکند. یعنی حتماً باید این در آن لحاظ شود و جزء لاینفک تحول بنیادین است. در حال حاضر چون جهت جمهوری اسلامی تبیین نشده است، هرچند طرحی هم به اسم طرح تحول بنیادین آموزش پرورش ارائه دادید، ولی در این طرح تحول معلوم نشده که بالاخره محتوای آموزشی چقدر در اختیار تربیت همسران آینده است؟ شما از توانمندسازی ساختارها صحبت می‌کنید، این توان‌مندسازی ساختارها،

یک قسمت توان‌مندسازی ساختار آموزش و پرورش است. برای تربیت آدم‌هایی که بتواند خانواده را متکفل شود.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۳ اصلاح الگوی مصرف به عنوان توانمندی ساختارها و تعبیر آن برای تحقق مبنای توقف مبنای رفاه مادی و افسار گسیخته

بحث دیگر ساختارها اصلاح الگوی مصرف است. الان شما با یک معضلی روبه‌رو هستید، پدر و مادر به دلیل اینکه می‌خواهند در نرُم مصرف امروز زندگی کنند، (اگر زندگی نکنند که از پسند اجتماعی خارج می‌شوند) مجبور هستند هر دو کار کنند تا هزینه‌های این الگوی مصرف را تامین کنند. لذا ما الان پدر و مادر نداریم، ما نان‌آور داریم، به اصطلاح فنی‌تر ما صیغه ازدواج دائم می‌خوانیم، ولی تحقق متعه داریم. چون پدر و مادر مشغول تامین الگوی مصرف فعلی هستند، روی توانمندسازی صحبت می‌کنید دیگر، برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی. پس حتماً اصلاح الگوی مصرف، معنای رعایت استانداردهای دیگر نمی‌دهد. معنای اصلاح الگوی مصرف این است که رفاه مادی باید در یک حدی متوقف شود. اگر این کار را نکنید خانواده از بین می‌رود. یعنی مبنای رفاه ضد خانواده است. معنای لفظی نه، یعنی مدگرایی افسار گسیخته. ما تعبیری که می‌کنیم اینجوری است، می‌گوییم رفاه یعنی مبلمان مان شیک‌تر باشد، ولی آسایش که باید در خانه باشد، نیست. خب آسایش چه می‌شود؟ آسایش همان احکام خانواده است. مبنای رفاه باید کنترل شود. جامعه اسلامی باید به دنبال یک سطحی از رفاه باشد. یک سطحی از رفاه که تامین شد، باقی برنامه‌ریزی‌ها باید بیاید برای توان‌مندسازی پدر، پدر بودن را در نان‌آور بودن خلاصه نداند.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۷ لزوم انتشار شاخص‌های هویت اسلامی با روش‌های محاسباتی آنها

از نکات جالب جدول ما این است که ما یک خانه‌ای داریم به اسم شاخص‌های هویت اسلامی. ما در این گزارش‌ها روش محاسبه را منتشر می‌کنیم. شما تا زمانی که نتوانید روش محاسبه‌تان را منتشر کنید، برای چه به ساختارها می‌گویید بیابند محققش کنند؟ به جای WDI به دنبال منتشر کردن این شاخص‌ها هستیم با محاسباتش.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۷/۱ انتشار ۳۰ شاخص به ضمیمه روش محاسباتی و گسترش آن در آینده

۴۶

منتها حالا این چیزی که ما گرفتیم شاید در حد ۳۰ تا شاخص است که روش محاسبه‌ش هم ضمیمه می‌کنیم. بعدها باید گسترش پیدا کند. این نطفه‌های اولیه آن گزارش‌های مبنایی شما می‌شوند. بعداً در سطح جهان هم قابل استفاده می‌شود.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۴. اصلاح الگوی مصرف و تحول در ساختار آموزش و پرورش جهت احیای نهاد خانواده

مسئله را می‌خواستیم بگوییم که توان‌مندسازی ساختارها ما دو تا را اشاره کردیم، یکی حتماً باید ساختارها بروند به سمت اصلاح الگوی مصرف، یکی هم باید ساختارها بروند به سمت تحول در آموزش و پرورش که خروجی این‌ها بشوند احیای نهاد خانواده. یعنی حداقل بحث اصلاح آموزش و پرورشش واضح است. شما دختران را آموزش نمی‌دهید که مادر یا همسر باشند. مفاد درسی ارتباطی با این بحث‌ها ندارد. پسران را هم همین‌طور. پس حتماً باید این ساختار آموزش و پرورش تغییر کند به این سمت. حالا خانواده پردازش زیادی دارد، بعداً حتماً اشکال می‌کنند، می‌گویند یک آموزش و پرورش کشور دارد تامین نیرو می‌کند برای صنعت کشور، شما اگر به آن دست بزنید این روی زمین می‌ماند. سوالات جدی‌یی است. که حالا در این باره ما بحث‌های جدی‌ای داریم که بحث خانواده، یک کارگاه یک‌روزه می‌خواهد که آن ایده ما تبیین بشود که چطور می‌شود رفت به سمت اصلاح.

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۵. لزوم طراحی الگوی پیشرفت اسلامی با زیرساخت احیای خانواده و ارائه دهنده روش برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده

اجمال قضیه این است که ما جامعه اسلامی بدون خانواده‌ی توان‌مند برایمان معنا ندارد، الگوی پیشرفت اسلامی بدون در نظر گرفت برنامه برای خانواده هم معنا ندارد. زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی ارائه‌ی روش برنامه‌ریزی برای احیای نهاد خانواده است.

فهرست تفصیلی مطالب :

۱ / راه اندازی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در قم با الویت کاری ارائه نقشه راه دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی

۱۱.....

۱/۱. معرفی نقشه راه به عنوان اولین مورد از سه دستور کار شورا جهت طرح مسئله الگو در کشور.....۱۱

۱/۱/۱. ۴ سال مربوط به چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام و بحث کاربردی و ۱۰ سال مربوط به مطالعات مبنایی اصل انقلاب جهت تدوین نقشه راه
۱۱.....

۱/۱/۲. معرفی نقشه راه به عنوان کار اصلی شورای

راهبردی.....۱۲

۱/۲. ارتباط با نهاد های نظام از طریق ۲۷ محور به عنوان دومین کار شورا.....۱۲

۱/۳. تنظیم سیاست های کلان جهت تغییرات در برنامه آتی اداره کشور بر مبنای نقشه راه تحت عنوان برنامه پیشرفت و پیشنهاد آن به دفتر رهبری به عنوان سومین کار شورای راهبردی.....۱۲

۱/۱/۲/۱. نشست های خانگی درمورد نقشه راه به عنوان یکی از راه های معرفی نقشه راه.....۱۳

۱/۱/۲/۲. مباحثه با سایت ها و خبرگزاری ها جهت معرفی نقشه راه به عنوان دومین نوع برگزاری نشست

۱/۱/۲/۳. برگزاری نشست با حوزویان و دانشگاهی ها به عنوان سومین مدل برگزاری نشست.....۱۳

۱/۴. تشکیل کارگروه با نمایندگان مجلس جهت بحث حول اصلاح شیوه قانون گذاری به عنوان یکی دیگر از اقدامات شورای راهبردی.....۱۴

۲/ لزوم برهم زدن تعادل برنامه توسعه از طریق تغییر در برنامه ریزی حول محور اقتصاد به برنامه ریزی حول محور فرهنگ.....۱۴

۳/ بررسی آسیب شناسی نبود پاسخ در دپارتمان های علمی دنیا نسبت موضوعات نو و تاسیسی سفارش شده توسط رهبری نظیر اقتصاد مقاومتی و نسبت بین عدالت و پیشرفت.....۱۵

۳/۱. تبیین آسیب ورود حوزویان و دانشگاهیان به عنوان دو نهاد تخصصی جامعه اسلامی جهت تبیین موضوعات نو و پاسخ به سوالات از طریق نشست و مقاله و کتاب.....۱۵

۳/۱/۱. برگزاری همایش در قم حول پاسخ به مسئله زمان و مکان در فقه مطرح شده توسط امام به عنوان مثالی از بحث.....۱۵

۳/۱/۲. بحث های مطرح شده در حوزه مباحث دانشگاهی مانند انقلاب فرهنگی و بسط آنها توسط رهبری به عنوان مثالی دیگر از موضوع..... ۱۵

۳/۲. انحلال صورت مسئله انقلاب در مسائل قبلا پاسخ داده شده در اکثر همایش ها..... ۱۶

۳/۲/۱. انحلال مسئله توسعه و الگوهای آن در مسئله پیشرفت و الگوهای آن توسط شخصیت های معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه ای در نشست هایی با عنوان الگوی پیشرفت اسلامی و قلب سوال جدید به سوالات از قبل پاسخ داده شده..... ۱۶

۳/۲/۲. انحلال مسئله جدید زمان و مکان در مسئله تراحم که از قبل پاسخ داده شده توسط فقها به عنوان مثالی از انحلال دو مسئله متفاوت..... ۱۶

۳/۲/۳. تحمیل سوال قبلی در سوال جدید به گونه ی تظاهر به نو بودن سوال توسط کارشناسان در همایش های سی ساله در بحث های مختلف انقلاب از جمله اقتصاد مقاومتی..... ۱۷

۳/۲/۴. عدم تفاهم سوالات انقلاب با سوالات رایج در دپارتمان ها و کتاب های علمی دنیا به عنوان آفت همایش ها در پاسخگویی به سوالات نتیجه عدم تبیین دقیق مسائل تاسیسی انقلاب..... ۱۷

۳/۲/۴/۱. تبیین درست سوال در جامعه چاره ی عدم انحلال سوال جدید در سوال قبلی و نادیده گرفته نشدن ایده نو در اداره جامعه..... ۱۷

۳/۲/۴/۲. بردن سوال در مسائلی چون اقتصاد مقاومتی و اصلاح الگوی مصرف جهت تبیین دقیق تفاوت پیشرفت و

توسعه.....

۱۸.....

۳/۲/۴/۳. لزوم استدلال و اثبات هم عرض بودن مسائل در ادبیات انقلاب با مسائل هم عرض در ادبیات رایج و تبیین اجمالی مطالب به عنوان آفت همایش

ها..... ۱۸

۳/۲/۴/۳/۱. عدم یکسان انگاری توسعه و پیشرفت و ارائه مفاهیم جدید یکی از سه جواب

رایج در همایش

ها.....

۱۹.....

۳/۲/۴/۳/۲. دانستن نقاط اشتراک زیاد دو مسئله به عنوان جواب

دیگر..... ۱۹

۳/۲/۴/۳/۳. یکسان انگاری توسعه و پیشرفت به عنوان پاسخ

سوم..... ۱۹

۳/۲/۴/۳/۴. وجود هر سه جریان قائل به مدرنیزاسیون، تلفیق و تاسیس در

کشور..... ۲۰

۳/۲/۴/۳/۵. شفاف سازی سوال برای مشخص شدن تلفیقی یا بومی سازی و یا تاسیسی

بودن الگوی پیشرفت در همایش ها به عنوان راهکار علاج

مشکل..... ۲۰

۳/۲/۴/۳/۶. ورود به بحث نقشه راه در صورت وفاق بر سر آفت موجود در همایش ها و اعتقاد به تاسیسی بودن مسئله الگو و عدم یکسانی با توسعه در نقشه راه..... ۲۰

۳/۳. قائل به تاسیسی بودن انقلاب و تعارض آن با پاسخ های داده شده به فطرت و قلب شدن فطرت در طول زندگی بشر..... ۲۱

۳/۳/۱. تغییر فطرت و قلب شدن آن در فضای کفر و هواپرستی و عدم استناد به آن در اثبات گزاره ها..... ۲۱

۳/۳/۲. فرهنگ انبیا و مسیحیت تحریف یافته به هر میزان صحیح به عنوان بخش تاسیسی قابل استفاده در الگو..... ۲۱

۳/۴. لزوم تضمین دادن برای قرار دادن برنامه توسعه و عدم ایجاد فاصله طبقاتی نظیر آمریکا و کشورهای G۸ در ایران..... ۲۲

۳/۴/۱. عدم وجود ضمانت برای از بین رفتن شاخص خانواده، عدالت و شاخص های معنوی در کشورهای توسعه یافته نظیر کشورهای G۸..... ۲۲

۳/۵. تغییر مدل نتیجه تغییر شاخص ها بدون نقش تجربه بشریت و نتیجه تغییرات تمدنی.... ۲۲

۳/۵/۱. عدم امکان مقایسه مدل پیشرفت دوره صفویه با دوره

کنونی..... ۲۳

۳/۲/۴/۴. لزوم حل کردن مسئله اداره جامعه توسط دینداران و یا دین مانند حل سوالات

رایج زمان و مکان و تراحم یا الگوی پیشرفت و توسعه در همایش

ها..... ۲۳

۳/۲/۴/۴/۱. امکان عدم وجود ارتباط عقلانی بین راه حل دین و دین دار در اداره جامعه به

عنوان تفاوت دو دیدگاه و لزوم اصلاح ایده ی محوری اداره توسط دینداران و حل آن در

همایش ها..... ۲۳

۴/۱. تبیین مبنای حرکت، مراحل و موضوعات انتقال حرکت به عنوان سه کلمه اصلی موجود

در مفهوم جهت

حرکت.....

۲۴.....

۴/۱/۱. تبیین مبنا به عنوان ایده مورد ارزیابی و قابل ترجمه در همه زمانها و

مکانها..... ۲۴

۴/۱/۱/۱. تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری

اسلامی..... ۲۴

۴/۱/۲. لزوم تبیین جهت برای مقابله با آفت همایش ها و تعریف مبنای انقلاب جهت تمایز آن

با مبنای

رقیب.....

۲۵

۴/۱/۱/۲. استفاده از کلمه ی تحقق در مبنای انقلاب جهت مرزبندی با استنباط و ابلاغ صرف
در مبنای اسلام

سنتی..... ۲۵

۴/۱/۱/۳. لزوم مرزبندی مبنای تحقق شاخص ها با تحقق هویت مدرن و غیر اسلامی به
عنوان مبنای جریان

روشنفکر.....
۲۵

۴/۱/۱/۳/۱. لزوم تغییر ساختارهای اجتماعی به عنوان مبنای
روشنفکر..... ۲۶

۴/۱/۲. وجود مراحل جهت تحقق مبنا به علت تدریجی بودن آن و لزوم وجود مقدمات جهت
تحقق

مبنا.....
۲۶.....

۴/۱/۲/۱. وجود ۵ مرحله جهت تحقق مبنا در تبیین امام خامنه
ای..... ۲۶

۴/۱/۲/۱/۱. انقلاب اسلامی با گرفتن اختیارات از غیر معتقدین به اسلام به عنوان اولین
مرحله و گذراندن این

مرحله.....
۲۷

۴/۱/۲/۱/۲. تعریف هویت اجتماعی و حضور در ساختارها و برنامه ریزی بر اساس اسلام به
عنوان دومین

مرحله.....

۲۷...

۴/۱/۲/۱/۲/۱. اثبات اصول اساسی و نوع نظام در قانون اساسی در مرحله

دوم..... ۲۸

۴/۱/۲/۱/۲/۲. آوردن جمهوری با رای مردم تعیین " برای " اسلام در قانون اساسی به عنوان

نوع

حکومت.....

۲۸.....

۴/۱/۲/۱/۲/۳. عدم عبور از این مرحله در کشورهایی نظیر مصر و سایر انقلاب های بیداری

اسلامی ۲۹

۴/۱/۲/۱/۲/۴. عبور از این مرحله و تعبیر امام خامنه ای از این مرحله به مرحله نظام اسلامی

۲۹

۴/۱/۲/۱/۲/۵. پذیرش اسلام توسط مردم از دوران صفویه و پذیرش حکومت اسلامی در این

مرحله ۳۰

۴/۱/۲/۱/۲/۳. دولت اسلامی به عنوان مرحله سوم از نظر امام خامنه

ای..... ۳۰

۴/۱/۲/۱/۳/۱. تعریف دولت اسلامی به مرحله توانمند سازی

ساختارها..... ۳۰

۴/۱/۲/۱/۳/۲. عدم توانایی در محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از عدم توانمندی

ساختارها در تحقق شاخص های

اسلام..... ۳۱

۴/۱/۲/۱/۳/۳. لزوم تولید تئوری و پیشنهاد سازوکارهای قابل محاسبه و برنامه ریزی جهت
توانمند سازی ساختارها در مرحله دولت
اسلامی..... ۳۱

۴/۱/۲/۱/۳/۴. ارائه نقشه راه توانمند سازی ساختارها بر مبنای تحقق شاخص ها توسط
شورای
راهبردی.....
۳۲.....

۴/۱/۲/۱/۳/۵. اسلامی شدن جامعه به هر میزان تحقق مبنا در مرحله دولت
اسلامی..... ۳۳

۴/۱/۲/۱/۳/۵/۱. لزوم شکست طلسم یکسان انگاری توسعه با پیشرفت در ذهن نخبگان
جهت عبور از مرحله دولت اسلامی در دیدگاه امام خامنه
ای..... ۳۳

۴/۱/۲/۱/۴. اجرای احکام و تحقق معارف اسلامی در جامعه به عنوان مرحله چهارم تحت
عنوان مرحله جامعه
اسلامی.....
۳۴.

۴/۱/۲/۱/۵. تکثیر و تلالو الگو در دنیا به عنوان مرحله پنجم تحت عنوان مرحله امت اسلامی
۳۴.....

۴/۱/۲/۱/۳/۶. عدم توانایی برای برنامه ریزی جهت تحقق شاخص ها در مرحله
کنونی..... ۳۵

۴/۱/۲/۱/۳/۷. آغاز امامت امام خامنه ای مقارن با آغاز مرحله دولت اسلامی و اتمام مدیریت امام همزمان با تثبیت نظام

اسلامی..... ۳۵

۴/۱/۲/۱/۱/۱. دویست سال مبارزه فقها از جمله میرزای شیرازی و مشروطه و مبارزات شهید مدرس زمینه ساز مرحله انقلاب اسلامی در سال

۵۷..... ۳۶

۴/۱/۲/۱/۱/۲. کتاب چلچراغ های طاغوت شکن به عنوان تکمیل کننده نقشه راه حاوی طرح شناسنامه های تاریخی مبارزات دویست ساله فقها با استعمار و

مدرنیته..... ۳۶

۴/۱/۲/۱/۱/۳. جمع بندی مبارزات دویست ساله فقها توسط امام در مرحله انقلاب

اسلامی..... ۳۷

۴/۱/۳. موضوعات انتقال به عنوان اولویت های قابل شناسایی و لزوم رعایت الویت ها جهت انتقال از یک مرحله به مرحله

دیگر..... ۳۷

۴/۱/۳/۱. لزوم رعایت موضوع انتقال به عنوان مهم ترین رکن از سه رکن جهت برای جلوگیری از عقبگرد و توقف در انتقال بین

مراحل..... ۳۸

۴/۱/۳/۲. امکان مانع تحقق شدن به جای تحقق اسلام به دلیل عدم فهم دقیق موضوعات

انتقال هر

مرحله.....

۳۸.....

۴/۱/۳/۲/۱. لزوم رعایت تدرج و ظرفیت تحقق مبنا در هر مرحله جهت جلوگیری از بسیج جامعه برای تحقق شاخص هایی بیش از ظرفیت

جامعه..... ۳۹

۴/۱/۳/۲/۲. تبیین مسئله ولایت فقیه و اسلام خودش حکومت دارد توسط امام به عنوان موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به نظام اسلامی با استناد به صحیفه

امام..... ۴۰

۴/۱/۳/۲/۲/۱. تبیین مسئله ولایت فقیه توسط نخبگان در مجلس و مجلس خبرگان قانون اساسی توسط سید منیرالدین و شهید

بهشتی..... ۴۰

۴/۱/۳/۲/۲/۲. تبیین اسلام حکومت دارد و رعایت این موضوع باعث ورود به مرحله نظام اسلامی به جای جمهوری دموکراتیک مانند ماجرایی

مشروطه..... ۴۱

۴/۱/۳/۲/۲/۳. جنگ در راس امور است و تبیین دفاع مقدس توسط امام به عنوان موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت

اسلامی..... ۴۱

۴/۱/۳/۲/۳/۱. خودباوری و دستیابی به ظرفیت اداره جامعه به کمک مسئله جنگ و ورود به دولت

اسلامی.....

۴۲.....

۴/۱/۳/۲/۳/۲. توان برنامه ریزی و ایجاد استقلال کشور و تربیت نیروهای مدیر و متخصص از نتایج شرایط سخت

جنگ..... ۴۲

۴/۱/۳/۲/۳/۳. در راس بودن جنگ به فرموده امام و توجه به این موضوع انتقال حتی در

شرایط خاص

جنگ.....

۴۳.....

۴/۱/۳/۲/۴. توانمند سازی ساختارها و قدرت برنامه ریزی بر اساس مبنا به عنوان موضوع

انتقال مرحله دولت اسلامی به جامعه

اسلامی..... ۴۳

۴/۱/۳/۲/۴/۱. تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان رویکرد توانمند سازی ساختارها لازمه

ی انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه

اسلامی..... ۴۴

۴/۱/۳/۲/۴/۲. متاثر بودن ساختارهای فعلی جامعه از شاخص های **wdi** و لزوم تولید و

اجرای الگوی پیشرفت جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی و توانمندسازی ساختارها بر

اساس مبنا..... ۴۵

۴/۱/۳/۲/۴/۳. عدم توانایی در محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از عدم توانمندی

ساختارها جهت برنامه ریزی بر اساس

مبنا..... ۴۵

۴/۱/۳/۲/۴/۳. عدم انتقال از دولت اسلامی در صورت عدم توانمند سازی

ساختارها..... ۴۵

۴/۱/۳/۲/۴/۳/۱. بانک سوالات به عنوان ایده ای برای پایان نامه ها جهت به چالش کشیدن

نخبگان ۴۵

۴/۴/۲/۳/۱/۴. خانواده به عنوان زیرساخت تولید الگوی پیشرفت اسلامی در گام دوم

توانمندسازی

ساختارها.....

.....۴۶

۴/۵/۲/۳/۱/۴. سفرهای استانی و رفتن به سوی عدالت از جمله تلاش ها برای توانمند سازی

ساختارها بر اساس شاخص

ها..... ۴۶

۴/۶/۲/۳/۱/۴. انحلال سازمان برنامه و بودجه به عنوان اقدام دیگر جهت توانمند سازی

اجمالی ساختارها و گام دوم در جدول پیشنهادی شورای

راهبردی..... ۴۶

۴/۷/۲/۳/۱/۴. تعریف جدول در گام سوم مرحله دولت اسلامی در سه

مرحله..... ۴۶

۴/۷/۱/۲/۳/۱/۴. قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ به عنوان مرحله اول دولت اسلامی

تحت عنوان مرحله

پیدایش.....

۴۶

۴/۷/۲/۳/۱/۴. قانون اساسی الگوی پیشرفت به عنوان مرحله

دوم..... ۴۷

۴/۷/۳/۲/۳/۱/۴. قانون اساسی انقلاب فرهنگی به عنوان سومین

مرحله..... ۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۱. تصویب قانون اساسی مصوب ۵۸ جهت تعریف روابط ساختاری و تحقق
اسلام بر اساس ظرفیت آن روز جامعه ۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۲. ایجاد تغییرات ساختاری و تصویب قانون اساسی الگو جهت توانمند سازی
ساختارها ۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۳. لزوم پیوست فرهنگ به قانون اساسی جهت تغییر روابط ساختاری تحت
عنوان قانون اساسی انقلاب فرهنگی به مثابه تغییر ساختارها پس از زمان شاه در قانون
اساسی جدید ۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۴. قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی برای توانمند سازی ساختارها جهت
تحقق مبنای جمهوری اسلامی و ارائه قانون اساسی انقلاب فرهنگی در مرحله تکامل دولت
اسلامی ۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵. اعمال تغییرات کلی در قانون اساسی با توجه به ظرفیت موجود جامعه
۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۱. مرکز الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت در دفتر امام خامنه ای جایگزین
سازمان مدیریت برنامه کشور و اعمال این تغییر در قانون اساسی
۴۷

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۲. لزوم تشکیل مرکز با توانایی تولید تحلیل و انتشار شاخص اسلامی و
محاسبه آن و جایگزینی این مرکز با ساختارهای قبلی
۴۸

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۵/۳. ابلاغ سیاست های کلی در مجمع و نهادهای قانونی و نداشتن نقش
برنامه ریزی در قانون اساسی
۴۸

۶) تبیین الگوی پیشرفت لازمه ی توانمندی ساختارها جهت حق مبنا
۴۸

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۱ لزوم ارتقا سطح اسلامیت به کمک تبیین ۲۷ محور در نقشه راه
۴۸

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۲ تحول در نظام آموزش و پرورش جهت تربیت همسر برای حفظ هویت
خانواده جزء اولین ضرورت توانمندی ساختارها
۴۸

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۳ اصلاح الگوی مصرف به عنوان توانمندی ساختارها و تعبیر آن برای
تحقق مبنای توقف مبنای رفاه مادی و افسار گسیخته
۴۹

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۷ لزوم انتشار شاخص های هویت اسلامی با روش های محاسباتی آنها
۴۹

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۷/۱ انتشار ۳۰ شاخص به ضمیمه روش محاسباتی و گسترش آن در آینده
۴۹

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۴ اصلاح الگوی مصرف و تحول در ساختار آموزش و پرورش جهت احیای
نهاد خانواده

۴/۱/۳/۲/۴/۷/۶/۵ لزوم طراحی الگوی پیشرفت اسلامی با زیرساخت احیای خانواده و ارائه
دهنده روش برنامه ریزی برای احیای نهاد خانواده
۴۹

حضرت آیه الله
امام خامنه ای
حفظه الله



لازمه ی تحقق الگوی
پیشرفت اسلامی
و رسوخ آن میان
نخبگان جامعه گفتمان
سازی است

طراحی الگوی پیشرفت
نیازمند جرات شجاعت
و
انگیزه بسیار قوی
است.

طراحی الگوی پیشرفت
باید در
دستور کار قطعی نظام
قرار بگیرد.